

**Applicability of Remedial Secession Theory on the Recognition of
Ukraine's Donetsk and Luhansk Oblasts' Independence**

Sattar Azizi *
Mousa Karami **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.255047
(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.68.5.5

Abstract

Since the submission of its Written Statement to ICJ in the case of Kosovo advisory opinion, Russian Federation has supported unilateral secession theory. In this vein, one of the Russia's implicit legal pretexts in recognition of Donetsk and Luhansk oblasts' independence in Ukraine is the realization of remedial secession (RS) theory as to these republics. Employing a descriptive-analytical method and relying on library resources as well as field reports, the authors of this article aim to investigate the applicability of RS theory on the Donetsk and Luhansk oblasts' independence in Ukraine. due to the non-realization of the main conditions of RS, namely denial of internal self-determination, the systematic, gross and long-term violation of human rights of the separatist group, deadlock of negotiations and lack of an alternative for secession and considering the situation of these oblasts in the framework of Ukraine and Minsk I and II agreements between the central government and the leaders of these two oblasts, it appears that resorting to RS theory to justify the unilateral secession, and as a consequence, recognition of Donetsk and Luhansk's independence by Russia has no legal basis.

Keywords

Remedial Secession Theory, Donetsk, Luhansk, Russia, Ukraine.

* Corresponding Author, Professor of International Law, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University, s.azizi@basu.ac.ir

** Ph. D. Candidate in Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, mosakarami136767@gmail.com



قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز در شناسایی استقلال استان‌های دونتسک و لوهانسک اوکراین

ستار عزیزی *

موسی کرمی **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.255047

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.68.5.5

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

چکیده

فدراسیون روسیه از زمان ارسال لایحه کتبی به دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نظریه مشورتی کوزوو، از نظریه جدایی چاره‌ساز حمایت کرده است. در همین راستا، یکی از دستاویزهای حقوقی ضمنی روسیه برای شناسایی استقلال مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین، تحقق بایسته‌های نظریه جدایی چاره‌ساز در خصوص این جمهوری‌ها است. نگارندگان نوشتار فرارو، از رهگذر شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و نیز گزارش‌های میدانی، برآنند تا قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز در شناسایی استقلال مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین را بکاوند. نظر به عدم تحقق شرایط اصلی جدایی چاره‌ساز یعنی انکار حق تعیین سرنوشت داخلی، نقض سیستماتیک، فاحش و درازمدت حقوق بشر گروه جدایی طلب، به‌بن‌بست رسیدن مذاکرات و نبود جایگزینی برای جدایی و نیز با توجه به وضعیت این مناطق در چارچوب کشور اوکراین و موافقت‌نامه‌های مینسک ۱ و ۲ میان دولت مرکزی اوکراین و رهبران این دو منطقه، به نظر می‌رسد تمسک به نظریه جدایی چاره‌ساز برای توجیه جدایی یک‌جانبه و در نتیجه، شناسایی دونتسک و لوهانسک از سوی روسیه، وجاهت حقوقی لازم را ندارد.

واژگان کلیدی

نظریه جدایی چاره‌ساز، دونتسک، لوهانسک، روسیه، اوکراین

* s.azizi@basu.ac.ir

** mosakarami136767@gmail.com

* نویسنده مسئول، استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم

مقدمه

چندگونگی فرهنگی، یکی از ویژگی‌های بیشتر جوامع امروزی است، به طوری که کشورهای اندکی از تجانس قومی و فرهنگی برخوردارند.^۱ همان‌گونه که ویل کیملیکا،^۲ فیلسوف بلندآوازه عرصه مبانی حقوق اقلیت‌ها بیان می‌دارد، این تنوع و تکثر فرهنگی، مجموعه‌ای از پرسش‌های مهم و بالقوه تفرقه‌انداز را پیش می‌کشد و موجب اختلافاتی میان اکثریت و اقلیت می‌شود.^۳ در این میان، شاید بتوان گرایش برخی گروه‌های اقلیت به جدایی از دولت مادر و تشکیل دولتی مستقل یا پیوستن به کشوری دیگر را، حاکی از وجود شدیدترین درجه اختلاف میان گروه‌های اکثریت و اقلیت دانست که به‌ویژه با دخالت نیروهای خارجی و از جمله دولت‌های دارای مشترکات تاریخی و فرهنگی با اقلیت‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز جنگ شود. «موضوع جدایی‌طلبی و تلاش برخی گروه‌های اقلیت برای جدانشدن از دولت مادر، همواره مسئله‌ای حساس برای جامعه بین‌المللی و به‌ویژه دولتی بوده است که چندملیتی یا چندقومیتی هستند».^۴ بیشتر دولت‌هایی که از کشور پیشین جدا می‌شوند و به‌صورتی یک‌جانبه اعلام استقلال می‌کنند، در اعلامیه استقلال خود، به‌گونه‌ای ضمنی یا صریح، به حق تعیین سرنوشت مردم اشاره می‌نمایند و آن را مبنای جدایی و تشکیل کشور مستقل می‌دانند.^۵

در نخستین ساعات بامداد پنج‌شنبه، ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، برابر با پنجم اسفند ۱۴۰۰ به دستور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، عملیات نظامی گسترده و همه‌سویه‌ای علیه اوکراین آغاز شد. پوتین برای توجیه حقوقی اقدام خود و در نتیجه، مشروع‌ساختن آن، پس از شناسایی جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک در منطقه دونباس در شرق اوکراین به عنوان دولت‌هایی مستقل، در ۲۱ فوریه متعاقب قطعنامه ۱۵ فوریه دوما روسیه و نیز تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای امنیت فدراسیون روسیه در همان روز شناسایی، از جمله به دفاع مشروع جمعی در حمایت روسیه از مناطق یادشده بر پایه معاهده دوستی، همکاری و کمک متقابل میان روسیه و این دو منطقه استناد کرد.^۶ بار دیگر مشاهده می‌شود که مسئله اقلیت‌ها با پدیده جنگ

1. Balint, Peter, Tamara Lenard, Patti, *Debating Multiculturalism: Should There be Minority Rights?*, New York, Oxford University Press, 2022, p. 1.

2. Will Kymlicka

۳. کیملیکا، ویل؛ شهروندی چندفرهنگی؛ نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها، ترجمه: ابراهیم اسکافی، چاپ دوم، شیراز، ۱۳۹۸، ص ۱۳.

۴. عزیززی، ستار؛ «موضع و دلایل حقوقی روسیه در شناسایی جمهوری‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی و عدم شناسایی کوزوو»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۶۶.

۵. عزیززی، ستار؛ «استقلال کوزوو: بررسی مشروعیت جدایی یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۲.

۶. برای برگردان انگلیسی بیانیه روسیه در این زمینه، ن.ک:

پیوند می‌خورد^۷ و امنیت و آسایش را در گوشه‌ای دیگر از جهان تهدید می‌کند؛ امری که از چشم‌اندازهای گوناگون، پای موازین حقوقی بین‌المللی را در این کارزار باز می‌کند. در این میان، بحث قابلیت اعمال نظریه موسوم به جدایی چاره‌ساز، بر شناسایی استقلال استان‌های دونتسک و لوهانسک از سوی فدراسیون روسیه، مسائلی همچون زمینه‌های طرح ادعای استقلال از سوی دونتسک و لوهانسک، مبانی حقوقی روسیه در شناسایی استقلال این مناطق، شرایط و بایسته‌های اصلی تحقق جدایی چاره‌ساز و سرانجام، بحث قابلیت اعمال این نظریه بر وضعیت دونتسک و لوهانسک را پیش می‌کشد.

بی‌گمان می‌بایست یکی از حوزه‌های متأثر از تغییر پارادایم در حقوق بین‌الملل، از دولت محوری به انسان محوری را عرصه حق تعیین سرنوشت و قبض و بسط مفهومی آن دانست که در شکل‌گیری روابط بین‌الملل معاصر، نقشی ابزاری ایفا کرده است؛^۸ حتی که در کارگاه تاریخ، رفته‌رفته از اصلی سیاسی به اصلی حقوقی مبدل شده^۹ و همچنان دامنه و محتوای آن، به‌ویژه در بافت غیراستعماری، محل مناقشه بسیار است.^{۱۰} گروهی از حقوق‌دانان، مخالف حق جدایی یک‌جانبه در وضعیت‌های غیراستعماری هستند. به باور این گروه، در نظام حقوق بین‌الملل، ممنوعیت مطلق جدایی یک‌جانبه در وضعیت غیراستعماری حکم‌فرماست. گروهی دیگر را باور بر این است که نظام حقوق بین‌الملل در مورد جدایی یک‌جانبه، فاقد حکم است و نه آن را منع می‌کند و نه مجاز می‌شمارد. گروه سومی نیز استدلال می‌کنند که در حقوق بین‌الملل، خارج از موارد استعمارزدایی، اشغال خارجی و توافق دوجانبه، حق جدایی و استقلال وجود ندارد و مردم علی‌الاصول باید حق تعیین سرنوشت سیاسی خود را با رعایت اصل تمامیت ارضی اعمال کنند. به باور هواداران این نظر، حق تعیین سرنوشت در زمینه غیراستعماری اصولاً باید در جنبه داخلی آن اعمال شود، ولی ادعا می‌شود که ممکن است در موارد بسیار خاص و استثنایی، اعمال

<<https://www.spectator.co.uk/article/full-text-putin-s-declaration-of-war-on-ukraine>>, last seen 13th October 2022.

۷. درباره پیوند جنگ با اقلیت‌ها از جمله، ن. ک: عظیمی، محمدرضا؛ اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل؛ تاریخچه، پیمان‌ها، حدود و حمایت‌ها، پردیس دانش، ۱۳۹۲، صص ۱۱-۱۴؛ عزیزی، ستار؛ حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم (اول ناشر)، شهر دانش، ۱۳۹۴، صص ۲۰-۲۳.

8. Trinidad, Jamie, *Self-Determination in Disputed Colonial Territories*, Cambridge, Cambridge University Press, 2018, p. 1.

9. Jones, Natalie, "Self-Determination and the Right of Peoples to Participate in International Law-Making", *British Yearbook of International Law (in press)*, published online: 20 November 2021, p. 8. Available at: <<https://academic.oup.com/bybil/advance-article/doi/10.1093/bybil/brab004/6432499?login=true>>, last seen 13th October 2022.

10. Saul, Matthew, "The Normative Status of Self-Determination in International Law: A Formula for Uncertainty in the Scope and Content of the Right?", *Human Rights Law Review*, vol. 11, Issue 4, 2011, p. 610.

حق تعیین سرنوشت سیاسی، به حق تعیین سرنوشت خارجی در معنای جدایی بینجامد. این حق ناشی از کاربست و پذیرش نظریه‌ای است که در حقوق بین‌الملل کنونی و به‌ویژه حقوق بین‌الملل ناظر بر حق تعیین سرنوشت، به دکتترین «جدایی چاره‌ساز»^{۱۱} نامور شده است.^{۱۲} نظر به تأثیر منفی بحران اخیر بر صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای، اهمیت آن از جهات گوناگون در چارچوب حوزه‌های مختلف دانشی و از جمله حقوق بین‌الملل و نیز بایستگی کاوش‌های موشکافانه حقوقی در مورد رویدادهای این‌چینی، نگارندگان در این نوشتار کوشیده‌اند به واکاوی قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز بر وضعیت مناطق دوتسک و لوهانسک پردازند. در این راستا، نخست به زمینه‌های طرح ادعای استقلال دوتسک و لوهانسک از سوی روسیه، و سپس به مبانی حقوقی روسیه در اقدام به شناسایی جمهوری‌های خودخوانده نامبرده و بحث دولت‌بودگی این مناطق، و پس از آن به شرایط و بایسته‌های تحقق جدایی چاره‌ساز پرداخته می‌شود. گفتار واپسین نیز با توجه به مطالب پیش‌گفته، به سنجش قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز بر مورد دوتسک و لوهانسک اختصاص یافته است. قابل ذکر است که نباید مسئله دوتسک و لوهانسک را الحاق دانست، بلکه باید آن را در چارچوب جدایی یک‌جانبه بررسی کرد، چون در همه‌پرسی‌های جداگانه استقلال سال ۲۰۱۴ این دو منطقه، پرسش این بود که آیا رأی‌دهندگان از اعلام استقلال استان‌های دوتسک و لوهانسک به‌عنوان کشوری مستقل پشتیبانی می‌کنند یا خیر؟ با رأی مثبت اکثریت رأی‌دهندگان، جدایی یک‌جانبه بدون موافقت دولت مرکزی اوکراین صورت گرفت. همچنین تا زمان نگارش این نوشتار (مرداد ۱۴۰۱)، دولت روسیه هیچ تصمیمی دایر بر الحاق آن مناطق به فدراسیون روسیه اتخاذ نکرده است. از این‌رو، این رویداد، پیش از هر چیز می‌بایست در چارچوب نظریه جدایی چاره‌ساز بررسی شود.

۱. زمینه‌های طرح ادعای استقلال جمهوری‌های خودخوانده دوتسک و لوهانسک

شکل‌گیری اقلیت‌ها را از جمله نتیجه پیوستن یک سرزمین به قلمرو دولتی بزرگ‌تر، تسخیر

11. Remedial Secession

۱۲. در این زمینه، از جمله، ن.ک:

- Griffioen, Christine, *Self-Determination as a Human Right: The Emergency Exist of Remedial Secession*, Utrecht, Science Shop of Law, Economics and Governance, Utrecht University, August 2010, pp. 94-95.

- ویسی چمه، محمد و ستار عزیز؛ «مشروعیت و آستانه جدایی چاره‌ساز در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوق بین‌المللی*، شماره ۶۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۵-۱۳۴.

گفتنی است این سه رویکرد در رویه دولت‌ها که به‌طور خاص در لوایح تقدیمی آن‌ها به دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نظریه مشورتی کوزوو متجلی بود، نمود بارزی داشت. برای آگاهی و تحلیل دیدگاه‌های کشورها در این زمینه، ن.ک: عزیز، ستار؛ «رویکرد متعارض دولت‌ها به حق تعیین سرنوشت خارجی؛ بررسی نظریات کتبی دولت‌ها در قضیه رأی مشورتی کوزوو»، *پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱۶، نیمسال دوم ۱۳۸۸.

سرزمین‌ها از سوی مردمان و کشورهای دیگر، کوچ مردم در اثر جنگ و بحران از مکانی به مکانی دیگر، فروپاشی جهان‌شاهی‌های بزرگ و مرزبندی‌های استعماری ناهمگون با سرحدات فرهنگی و نژادی اجباری دانسته‌اند.^{۱۳} کشور اوکراین، مانند بسیاری دیگر از کشورهای استقلال‌یافته از شوروی، با نگرانی‌های امنیتی مرتبط با یکپارچگی سرزمینی دست به گریبان بوده است. این دغدغه‌ها، در تصمیم‌گیری‌های دولتی در خصوص مسائل اقلیت‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند و بیم از جدایی‌طلبی، انفصال، تجزیه کشور و برداشت و رویکرد حکومت نسبت به مسائل اقلیت‌ها را شکل داده است.^{۱۴} در این میان، مسئله اقلیت روس‌تبار ساکن در بخش شرقی این کشور، که پس از اوکراینی‌زبان‌ها، دومین گروه قومی و فرهنگی پرجمعیت هستند، یکی از دغدغه‌های اصلی این کشور از زمان فروپاشی شوروی سابق بوده و به‌ویژه از ۲۰۱۴، آن را با چالش‌های بسیار جدی روبه‌رو کرده است.

پس از فرار ویکتور یانوکوویچ،^{۱۵} رئیس‌جمهور سابق اوکراین (از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) به روسیه در ۲۰۱۴ در پی اعتراضات سراسری در اوکراین، شبه‌جزیره کریمه با مشارکت حدود ۸۳ درصدی واجدان شرایط در همه‌پرسی، و کسب رأی ۹۶/۷۷ درصد از رأی‌دهندگان،^{۱۶} به روسیه ملحق شد.^{۱۷} در همان زمان، دو جمهوری دونتسک (۶ آوریل ۲۰۱۴) و لوهانسک (۲۷ آوریل ۲۰۱۴) اعلام استقلال کردند. همه‌پرسی استقلال این دو جمهوری در ۱۱ مه ۲۰۱۴ برگزار شد.^{۱۸} از آن واقعه به این سو، درگیری‌های پراکنده‌ای میان دولت اوکراین از یک سو و استقلال‌طلبان رخ داده است.^{۱۹} و برخی منابع، از این درگیری‌ها با عنوان خونین‌ترین مخاصمه در اروپا از زمان پایان

۱۳. اردلان، اسعد؛ «حمایت از حقوق اقلیت‌ها در اسناد و رژیم‌های بین‌المللی»، در: اسعد اردلان، حقوق ملت‌ها، سندج، انتشارات علمی کالج، ۱۳۹۴، ص ۲۷.

14. Protsyk, Oleh, "Majority-Minority Relations in Ukraine", *Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe*, vol. 7, No. 1, 2008, p. 2.

15. Viktor Yanukovich

16. Nikouei, Majid, Zamani, Masoud, "The Secession of Crimea: Where Does International Law Stand?", *Nordic Journal of International Law*, vol. 85, No. 1, 2016, p. 41.

۱۷. شایان ذکر است که برخی نویسندگان، الحاق شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه را چالش‌برانگیزترین رخداد دهه ۲۰۲۰ برای مبانی حقوق بین‌الملل دانسته‌اند. ن.ک:

Malksoo, Lauri, "The Annexation of Crimea and Balance of Power in International Law", *European Journal of International Law*, vol. 3, No. 1, 2019, p. 303.

نیز در مورد عدم مشروعیت جدایی یک‌جانبه شبه‌جزیره کریمه از چشم‌انداز حقوق بین‌الملل، از جمله، ن.ک: عزیز، ستار؛ «بررسی مشروعیت جدایی یک‌جانبه کریمه از اوکراین: تحلیل رویه و عملکرد دولت‌ها»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.

- Geiß, Robin, "Russia's Annexation of Crimea: The Mills of International Grind Slowly but They Do Grind", *International Law Studies*, vol. 91, 2015, pp. 425, 449.

18. Giuliano, Elise, "Who Supported Separatism in Donbas? Ethnicity and Popular Opinion at the Start of the Ukraine Crisis", *Post-Soviet Affairs*, vol. 34, Nos. 2-3, 2018, p. 158.

جنگ در یوگسلاوی سابق یاد کرده‌اند.^{۲۰} این درگیری‌ها، تا پیش از یورش ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین، به کشته‌شدن بیش از ۱۴ هزار نفر و زخمی‌شدن بیش از ۳۰ هزار نفر منجر شده است.^{۲۱} همچنین بیش از یک‌ونیم میلیون نفر از منطقه دونباس^{۲۲} به دیگر مناطق اوکراین آواره شدند.^{۲۳}

اکثریت ساکنان منطقه موسوم به دونباس در شرق اوکراین، روس‌زبان هستند و اوکراینی‌زبان‌ها اقلیت این منطقه را تشکیل می‌دهند و مناطق دونتسک و لوهانسک، عملاً کمتر از یک سوم سرزمین دونباس را به خود اختصاص داده‌اند. روس‌زبان‌ها خواهان اختصاص مناطق بیشتری به جمهوری‌های استقلال طلب شده‌اند. گفتنی است شخص ولادیمیر پوتین بر این باور است که افزون بر منطقه دونباس، همه مناطق شرق اوکراین به نام نورووسیا، متعلق به اوکراین نیستند. وی مدعی است که افزون بر دونتسک و لوهانسک، شهرها و نواحی گوناگون همچون خارکف، خرسون، میکولایف و اودسا و در کل، مناطق روس‌زبان، در حقیقت به روسیه تعلق دارند که در دهه ۱۹۲۰، دولت مرکزی روسیه با خطای لنین آن‌ها را از روسیه جدا کرده و در تقسیمات اداری جزو سرزمین اوکراین قرار داده است. پوتین در سال‌های اخیر حتی دولت‌بودگی اوکراین را نیز زیر سؤال برده است. در مقابل، اوکراینی‌ها بر قدمت تاریخی کی‌یف نسبت به مسکو، زبان و سنن متمایز اوکراین و جنگ استقلال این کشور علیه اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۱۷ تأکید می‌ورزند. افزون بر این، اظهارات و ادعاهای پوتین از دو منظر تخطئه شده‌اند: یکم آنکه روسیه تا پیش از سده نوزدهم، هیچ حضور چشمگیری در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین نداشت که بر پایه آن بتوان از این مناطق به سرزمین‌هایی که از نظر تاریخی متعلق به روسیه بوده‌اند تعبیر کرد. دوم اینکه، ادعای پوتین دایر بر تشکیل مرزهای جنوب شرقی اوکراین، بدون توجه به ترکیب قومی جمعیت این مناطق نیز مقرون به صحت نیست زیرا به باور اوکراینی‌ها، کلیه سرزمین‌های شرق اوکراین و از جمله مناطقی که اکنون محل مناقشه هستند، دارای جمعیت غالب اوکراینی بوده‌اند و این تغییر بافت جمعیتی ناشی از قحطی دهه ۱۹۳۰ در نتیجه اقدامات

Fischer, Sabine, "The Donbas Conflict: Opposing Interests and Narratives, Difficult Peace Process", Stiftung Wissenschaft und Politik (German Institute for International and Security Affairs) Research Paper, April 2019, pp. 8-10.

20. Havlik, Peter *et al.*, "Economic Challenges and Costs of Reintegrating the Donbas Region in Ukraine", The Vienna Institute for International Economic Studies (Wiener Institut für Internationale Wirtschaftsvergleiche=wiiw) Research Report 447, June 2020, p. 6. Available at: <<https://wiiw.ac.at/economic-challenges-and-costs-of-reintegrating-the-donbas-region-in-ukraine-dlp-5351.pdf>>, last seen 13th October 2022.

21. International Crisis Group, "Conflict in Ukraine's Donbas: A Visual Explainer", available at: <<https://www.crisisgroup.org/content/conflict-ukraines-donbas-visual-explainer>>, Last seen 16th May 2022.

22. Donbas

23. UNHCR, "Registration of Internal Displacement", available at: <<https://www.unhcr.org/ua/en/resources/idp-dashboard>>, Last seen 15th May 2022.

استالین بود که موجب غلبه جمعیت روس‌زبان بر اوکراینی‌زبان‌ها در برخی از مناطق مزبور شد.^{۲۴} ناگفته پیداست که این ادعاهای روسیه به هیچ روی نمی‌توانند مبنایی حقوقی برای شناسایی استقلال دونتسک و لوهانسک باشند و اصولی همچون احترام به تمامیت ارضی کشور اوکراین به‌عنوان کشوری مستقل، منع مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و لزوم حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی به شیوه‌های مسالمت‌آمیز در برابر این ادعاها و اقدامات متعاقب آن، از جمله شناسایی استقلال دونتسک و لوهانسک و یورش نظامی همه‌جانبه به خاک اوکراین صفا‌آرایی می‌کنند.

شایسته یادکرد می‌نماید که ساکنان بخش شرقی اوکراین از نظر مذهبی و زبانی با بخش غربی آن متفاوت هستند؛ توضیح آنکه بیشتر ساکنان بخش شرقی، روس‌زبان و پیرو کلیسای اورتدکس و بیشتر ساکنان بخش غربی، اوکراینی‌زبان و پیرو کلیسای کاتولیک هستند. همین امر نیز موجب دو گرایش متفاوت سیاسی در این دو منطقه شده و غرب اوکراین به غرب، و شرق اوکراین به روسیه گرایش دارد.^{۲۵} پس از انقلاب ۲۰۱۴ و کناررفتن یانوکوویچ که روس‌گرا بود، سیاست حکومت مرکزی مبتنی بر تلاش برای نزدیکی هر چه بیشتر به غرب از رهگذر کوشش جهت پیوستن به اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و همچنین از لحاظ فرهنگی و زبانی، تقویت زبان اوکراینی در برابر زبان روسی بود. از این زمان به بعد بود که روس‌زبان‌ها که در موضع اقلیت قرار داشتند، احساس کردند در ساختار حکومت متمرکز جدید از نظر سیاسی، فرهنگی و زبانی در معرض تبعیض قرار دارند و تلاش آن‌ها برای تأسیس مناطق خودمختار روس‌زبان با هدف تأمین مطالبات سیاسی، فرهنگی و زبانی آن‌ها بود. در واقع، شکاف در مواضع سیاسی از یک سو و هویت فرهنگی و زبانی از سوی دیگر، سرانجام به شناسایی دونتسک و لوهانسک به دست روسیه و در پی آن، یورش گسترده این کشور به اوکراین انجامید.

۲. مبانی حقوقی روسیه در شناسایی استقلال دونتسک و لوهانسک و مسئله دولت‌بودگی این مناطق

در آغاز این گفتار، یادکرد این نکته ضروری است که در مورد تأثیر شناسایی بر موجودیت و مشروعیت بین‌المللی دولت‌ها، در حقوق بین‌الملل دو نظریه وجود دارد: (۱) نظریه تأسیسی بودن شناسایی؛ و (۲) نظریه اعلامی بودن شناسایی. طبق نظریه نخست، دولت‌ها با شناسایی به ایجاد دولتی جدید دست می‌زنند؛ یعنی این عمل شناسایی است که به تأسیس یک دولت جدید

24. Alexander Düben, Björn "There is no Ukraine": Fact-Checking the Kremlin's Version of Ukrainian History", available at: <<https://blogs.lse.ac.uk/lseih/2020/07/01/there-is-no-ukraine-fact-checking-the-kremlins-version-of-ukrainian-history/>>, Last seen 15th May 2022.

۲۵. به نقل از:

Giuliano, *op.cit.*, p. 159.

می‌انجامد و این عمل یکی از مؤلفه‌های دولت‌بودن تلقی می‌شود. در مقابل، در نظریه اعلامی بودن شناسایی، عمل شناسایی، تأثیری در وجود یا عدم دولت‌ها ندارد و تنها اعلام یک واقعیت است.^{۲۶} هم‌نوا با پژوهشگران، نگارندگان مقاله نیز بر این باورند که ایجاد کشورهای جدید و شناسایی متعاقب آن‌ها، همچنان یکی از دردسرسازترین و در عین حال، مهم‌ترین ابعاد سیاست بین‌الملل است.^{۲۷} مسئله شناسایی دولت‌های جدید، به‌ویژه از ۲۰۰۸ و با شناسایی کوزوو از سوی دولت‌های غربی و به‌طور خاص، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه پس از اعلامیه یک‌جانبه استقلال آن از یک سو و شناسایی رسمی آبخازیا و اوستیای جنوبی به دست روسیه از سوی دیگر، به محل مناقشه قدرت‌های جهانی و اعضای دائم شورای امنیت مبدل شد.^{۲۸}

از آنجا که اعلام جدایی یک‌جانبه دوتسک و لوهانسک از اوکراین در ۲۰۱۴، که وصف یک‌جانبه‌بودن آن از عدم رضایت کشور مادر یعنی اوکراین سرچشمه می‌گیرد، و شناسایی متعاقب آن‌ها در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ از سوی روسیه، از نظر حقوقی با وضعیت کوزوو در ۲۰۰۸ مشابهت‌هایی دارد، به نظر می‌رسد معتبرترین و قابل‌استنادترین سند برای پی‌بردن به موضع روسیه در قبال جدایی یک‌جانبه و در نتیجه، مقوله شناسایی، لایحه کتبی^{۲۹} این کشور در خصوص اعلامیه جدایی یک‌جانبه کوزوو از صربستان در ۲۰۰۸ است. گفتنی است مجمع عمومی ملل متحد در اکتبر ۲۰۰۸، با رأی اکثریت اعضای حاضر به درخواست صربستان برای تقاضای نظریه مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اینکه «آیا صدور اعلامیه یک‌جانبه استقلال از سوی نهادهای موقت دولت خودگردان کوزوو با حقوق بین‌الملل سازگار است یا خیر؟» پاسخ مثبت داد و این فرصت را برای دادگاه جهانی فراهم آورد تا برای نخستین بار در تاریخ این نهاد قضایی، به این پرسش حساس و چه بسا سرنوشت‌ساز پاسخ دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بنابر مقررات اساسنامه خود، از همه دولت‌های عضو ملل متحد خواست

۲۶. امیدی، علی؛ حقوق بین‌الملل: از نظریه تا عمل، چاپ دوم، میزان، ۱۳۹۴، ص ۸۹.

البته ذکر این نکته در اینجا سودمند می‌نماید که به باور برخی نویسندگان، باید در بحث معیار شناسایی، میان شناسایی یک کشور با شناسایی یک حکومت قائل به تفکیک شد. در بحث شناسایی کشور، معیار شناسایی حاکمیت است و در مقوله شناسایی حکومت در معنای بین‌المللی، معیار شناسایی مشروعیت به شمار می‌رود. طبق این دیدگاه، شناسایی کشور صرفاً اعلامی است، چون شرایط آن در حقوق بین‌الملل مشخص است، ولی شناسایی حکومت احتمالاً تأسیسی است. ن.ک: ضیایی، سیدیاسر؛ «شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹، صص ۱۱۹-۱۱۸.

27. Visoka, Gezim, "Statehood and Recognition in World Politics: Towards a Critical Research Agenda", *Cooperation and Conflict*, 21 September 2021 (Online First), p. 1.

28. Samkharadze, Nikoloz, "Recognition of States in International Law and Practice", *Journal of Young Researchers*, No. 3, July 2016, p. 19.

29. Written Statement

برای دسترسی به متن اصلی این لایحه، ن.ک:

<<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/141/15628.pdf>>, last seen 13th October 2022.

تا ظرف مهلت قانونی، نظر حقوقی خود را برای استفاده دادگاه به صورت کتبی اعلام کنند. در پرتو مقررات مذکور، برخی از دولت‌ها به‌طور رسمی نظر حقوقی خود را در این ارتباط منتشر کردند. مزیت عمده این فرصت قانونی آن است که نظر دولت‌ها برای نخستین بار به صورت جامع و منسجم تنظیم شد، در حالی که موضع دولت‌ها قبلاً به صورت موردی و در واکنش به اعلام استقلال برخی مناطق جدایی طلب اعلام و عموماً نیز تنها به اعلام موضع در آن مورد خاص محدود می‌شد.^{۳۰} بایسته یادکرد است که دیوان در این نظریه مشورتی، راجع به مسائل مربوط به مشروعیت جدایی چاره‌ساز و تحقق آن در خصوص کوزوو اظهار نظر قطعی نکرد و پرداختن به آن‌ها را ضروری ندانست و تنها اعلامیه استقلال کوزوو را مغایر با حقوق بین‌الملل تشخیص داد.^{۳۱}

گفتنی است روسیه از زمان ارسال لایحه کتبی به دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نظریه مشورتی کوزوو، از نظریه جدایی چاره‌ساز حمایت به عمل آورده و همواره کوشیده است در کلیه موارد مربوط به جدایی یک‌جانبه، دارای موضعی ثابت بوده و تناقضی، دست‌کم در گفتار، از این بابت نداشته باشد. روس‌ها در لایحه تقدیمی خود به دیوان بر این باورند که اصولاً ساکنان هیچ منطقه‌ای در یک کشور از حق جدایی برخوردار نیستند و می‌بایست مطالبات و آرزوهای خویش را در چارچوب حق تعیین سرنوشت داخلی و درون مرزهای سرزمینی همان کشور اعمال کنند. روسیه معتقد است اگر دولتی حقوق مردم ساکن در سرزمین خود را رعایت کند، اصل یکپارچگی سرزمینی، از او در برابر اجرای حق تعیین سرنوشت خارجی یا همان جدایی، حمایت و محافظت می‌کند.^{۳۲} از این رو، روس‌ها بر این باورند که لزوماً تعارضی میان یکپارچگی سرزمینی کشورهای موجود از یک سو و حق مردم به تحصیل کامل تعیین سرنوشت از سوی دیگر وجود ندارد؛ چون قرار است آن را از رهگذر حق تعیین سرنوشت داخلی اعمال کنند.^{۳۳} با این حال، روسیه در لایحه خود می‌افزاید که در صورت نقض حق تعیین سرنوشت داخلی مردم به دست

۳۰. عزیزی؛ بهار- تابستان ۱۳۸۹، ص ۶۶. بایسته یادکرد است که در استیجاب درخواست دیوان بین‌المللی دادگستری، ۳۵

کشور و از جمله جمهوری اسلامی ایران نظر خود را در دفتر دیوان ثبت کردند. برای دسترسی به لوایح این کشورها، ن.ک: <<https://www.icj-cij.org/en/case/141/written-proceedings>>, last seen 13th October 2020.

برای تحلیل موضع ایران در پرتو نظریه کتبی دیگر کشورها، ن.ک: ستار عزیزی؛ «درخواست رأی مشورتی درباره استقلال کوزوو، تأملی بر نظریه کتبی ایران در پرتو نظریات کتبی دیگر دولت‌ها»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، شماره ۴، ۱۳۸۷.

31. ICJ, *Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010, p. 403, 22 July 2010, paras. 82-84.

32. *Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence by the Provisional Institutions of Self-Government of Kosovo*, Request for Advisory Opinion, Written Statement by the Russian Federation, para. 84, available at: <<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/141/15628.pdf>>, last seen 13th October 2020.

33. Russia Written Statement, *op.cit.*, para. 85.

دولت، حق تعیین سرنوشت خارجی برای مردم تحت ستم ایجاد خواهد شد. دولت روسیه در لایحه کتبی خود، شرایطی را که تحقق آن‌ها می‌تواند به اجرایی شدن جدایی چاره‌ساز برای گروهی تحت ستم بینجامد، چنین برمی‌شمارد: الف) حمله مسلحانه آشکار از سوی دولت مرکزی؛ ب) تهدید موجودیت مردم مورد بحث؛ ج) به بن‌بست رسیدن همه تلاش‌ها برای حل و فصل تنش بین گروه قومی و دولت مرکزی در چارچوب ساختارهای دولت موجود.^{۳۴} این شرطها آستانه‌ای بالا برای تحقق جدایی چاره‌ساز در نظر می‌گیرد.

به نظر می‌رسد بر پایه همین شرطها است که روسیه به شناسایی دونتسک و لوهانسک و یورش به اوکراین جهت تقویت این شناسایی مبادرت جسته است. از این رو می‌توان مبانی حقوقی روسیه در قضیه شناسایی دونتسک و لوهانسک را در تناظر با شرطهای سه‌گانه بالا در سه محور دسته‌بندی کرد: ۱) دفاع از خود دسته‌جمعی در برابر حمله مسلحانه اوکراین به دونتسک و لوهانسک پیرو موافقت‌نامه دوستی، همکاری و کمک متقابل ۱۰ ساله میان روسیه و رهبران این دو منطقه؛ ۲) تلاش حکومت مرکزی اوکراین برای ارتکاب نسل‌زدایی علیه مردم دونتسک و لوهانسک و لزوم پیشگیری از ارتکاب نسل‌زدایی از سوی دولت اوکراین علیه جمعیت روس‌زبان ساکن در این مناطق؛^{۳۵} ۳) ناکامی اوکراین در اجرای موافقت‌نامه‌های مینسک ۱ و ۲ به مثابه شاخصی دال بر به بن‌بست رسیدن همه تلاش‌ها و آخرین چاره‌بودن جدایی.

در واقع، چنین می‌نماید که در قضیه شناسایی دونتسک و لوهانسک نیز همانند آنچه در قضیه جدایی یک‌جانبه کریمه و الحاق آن به روسیه رخ داد، روسیه با تفسیری موسع از حق تعیین سرنوشت، آن را برابر با حق بر استقلال یعنی جدایی یک‌جانبه، یا دست‌کم شامل این حق می‌داند.^{۳۶} روس‌ها در سال‌های پس از تقدیم لایحه کتبی خود به دیوان بین‌المللی دادگستری، تلاش کرده‌اند تا همان موضع خود را در آن لایحه دنبال کنند و بر پایه آن، در خصوص موارد مربوط به جدایی یک‌جانبه اعلام موضع کنند. از همین روست که روی هم‌رفته می‌توان دلایل ارائه‌شده در توجیه شناسایی مناطق لوهانسک و دونتسک در شرق اوکراین به دست روسیه را، ذیل نظریه موسوم به جدایی چاره‌ساز جای داد. از آنجا که از سه مبنای یادشده، موارد دوم و سوم در بخش مربوط به قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز بر وضعیت دونتسک و لوهانسک نیازمند بررسی دقیق هستند و پرداختن به آن‌ها در این بخش موجب هم‌پوشانی مطالب می‌شود، پس از ذکر نکته‌هایی در مورد مشروعیت اقدام روسیه به شناسایی استقلال دونتسک و لوهانسک، فارغ

34. Russia Written Statements, *op.cit.*, para. 88.

35. <<https://www.nytimes.com/2022/02/24/world/europe/putin-ukraine-speech.html>>, last seen 13th October 2022.

36. Van den Driest, Simone F., "Crimea's Separation from Ukraine: An Analysis of the Right to Self-Determination and (Remedial) Secession in International Law", *Netherlands International Law Review*, No. 62, 2015, p. 331.

از قابلیت یا عدم قابلیت اعمال جدایی چاره‌ساز بر آن‌ها، به بحث کم‌وکیف دفاع از خود جمعی روسیه بر مبنای موافقت‌نامه ۱۰ ساله با این مناطق نیز اشاره‌ای خواهد شد.

در خصوص مشروعیت اقدام روسیه به شناسایی استقلال دوتسک و لوهانسک، نکته‌هایی به ذهن متبادر می‌شوند که پرداختن به آن‌ها سودمند و بلکه ضروری می‌نماید. از جمله می‌توان به وضعیت حقوقی این دو منطقه از منظر حقوق بین‌الملل اشاره کرد. آیا دوتسک و لوهانسک واجد شرایط دولت‌بودگی در حقوق بین‌الملل هستند و روسیه اقدام به شناسایی دو دولت مستقل نموده است؟ البته به خاطر محدودیت واژگانی، مجال بحث تفصیلی در این زمینه وجود ندارد و به‌ناچار به کلیات بحث بسنده می‌شود. حقوق‌دانان برای پیش‌نیازهای شناسایی، نوعاً به کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته‌ویدئو مراجعه و استناد می‌کنند که در ماده ۱ خود، سنجه‌های سنتی دولت‌بودگی را از این قرار می‌داند: دولت مؤثر، سرزمینی مشخص، جمعیتی دائمی و نیز ظرفیت برقراری رابطه با دیگر دولت‌ها. جیمز کرافورد در کنار این سنجه‌ها، معیارهای دیگری مانند استقلال، حاکمیت و عواملی همچون دائمی‌بودن، تمایل و توانایی در رعایت حقوق بین‌الملل، میزان مشخصی از تمدن، شناسایی از سوی دیگر کشورها و نظم حقوقی را نیز برای تحقق دولت‌بودگی لازم شمرده است.^{۳۷} در این میان، کرافورد ظرفیت برقراری رابطه با دیگر دولت‌ها را نتیجه و نه معیار دولت‌بودگی می‌داند و در مقابل، از استقلال با عنوان معیار محوری دولت‌بودگی یاد می‌کند.^{۳۸} به نظر می‌رسد در چارچوب معیارهای مطرح‌شده، هنگام شناسایی از سوی روسیه، تحقق معیارهای بالا محل مناقشه است. طبق حقوق بین‌الملل، دولت مشروع حاکم بر سرزمین‌های واقع در قلمرو اوکراین، دولت مرکزی اوکراین است که استان‌های دوتسک و لوهانسک را دربرمی‌گیرد. همچنین جمعیت این مناطق اصولاً و چه بسا منحصراً شهروندان اوکراینی، البته از جمله با ریشه‌های قومی روس هستند و در نتیجه تحقق جمعیت دائمی نیز مبهم می‌نماید.^{۳۹}

افزون بر این، دو سنجه سرزمین دائمی و استقلال نیز محل تردید جدی هستند. در این زمینه، به نظر پروفیسور مارک ولر، دو نهاد مورد نظر، بنابر قاعده و اصل تصرف (uti possedetis) در همان محدوده سرزمینی هستند که قبلاً به‌عنوان واحد استانی در چارچوب اوکراین تعریف شده بود. هر یک از این واحدها، زمانی که فدراسیون روسیه آن‌ها را شناسایی کرد، به‌طور تقریبی تنها

37. Crawford, James, *The Creation of States in International Law*, 2nd Edition, Oxford, Oxford University Press, 2006, pp. 46-95.

38. *Ibid.*, pp. 61-62.

39. Dananjaya, I Komang, Satyayundha Dhananjaya, Nyoman, "The Legality of Russia's Special Military Operation Against Ukraine from International Law Perspective", *Journal Kertha Patrika*, vol. 44, No. 1, April 2022, p. 52.

یک‌سوم سرزمین دولت فرضی خود را تحت کنترل داشتند؛^{۴۰} مابقی تحت اختیار دولتی بود که آن‌ها در صدد جدایی از آن بودند و همین امر این تردیدها مطرح می‌کند که آیا واحدهای یادشده می‌توانند مدعی سرزمینی تعریف‌شده یا دست‌کم داشتن کنترل مؤثر محرز بر سرزمین دولتی ادعایی خویش باشند یا خیر. روسیه صراحتاً شناسایی خود را به حد کامل آن سرزمین‌ها تسری داده است. افزون بر این، تحقق بایسته «استقلال» از سوی این دو واحد نیز بسیار مناقشه‌انگیز است زیرا آن‌ها در زمینه امنیت، اقتصاد و تصمیمات مرتبط با مناسبات خارجی، کاملاً به فدراسیون روسیه وابسته مانده‌اند. حتی اعلام استقلال این مناطق در ۲۰۱۴ را نیز در بافت و حتی نتیجه مداخله مسلحانه روسیه در اوکراین می‌دانند.^{۴۱} نیز گفتنی است که اگرچه طبق ماده ۳ کنوانسیون مونته‌ویدئو، شناسایی از سوی دولت‌های دیگر در موجودیت سیاسی یک دولت مستقل نقشی ندارد، به نظر می‌رسد وضعیت سیاسی و آینده آن در جامعه بین‌المللی متأثر از کیفیت و کمیت شناسایی از سوی دیگر دولت‌ها است. افزون بر این، رویه معاصر دولت‌ها حکایت از آن دارد که اصولاً ماده ۳ این کنوانسیون عرفی نشده است. نیک معلوم است که استقلال دوتسک و لوهانسک حتی از سوی خود روسیه نیز پس از ۸ سال صورت گرفت و جز روسیه، چند کشور معدود یعنی سوریه، ونزوئلا، سودان، بلاروس، نیکاراگوئه و افریقای مرکزی و نیز جمهوری‌های خودخوانده آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان، این استقلال را شناسایی کرده‌اند که نشان از روی ناخوش جامعه بین‌المللی به این وضعیت دارد. بر این پایه، به نظر می‌رسد بر پایه دو معیار کلی لزوم مؤثر بودن و قانونی بودن دولت، نمی‌توان از دولت بودن دوتسک و لوهانسک در زمان شناسایی از طرف روسیه سخن گفت.

نکته دیگری که می‌توان در خصوص شناسایی استقلال دوتسک و لوهانسک از سوی روسیه یادآور شد و به نظر در این زمینه موضوعیت و اهمیت دارد، بحث عجولانه و زودرس یا زودهنگام بودن آن است. همان‌گونه که پروفیسور آنتونیو کاسسه بیان می‌دارد، «شناسایی دولت‌ها، زمانی که عجولانه صورت گیرد، ممکن است پیامدهای حقوقی در پی داشته باشد، به‌ویژه وقتی که موجودیت جدید، حاصل جداسدن از یک کشور موجود یا حاصل جنگ داخلی باشد. ممکن است شناسایی زودهنگام، یعنی به رسمیت شناختن دولت‌ها قبل از اینکه شرایط واقعی برای حالت دولت‌شدن مهیا شود، به‌مثابه مداخله غیرقانونی در امور داخلی دولت ذی‌نفع تلقی شود».^{۴۲} وی

۴۰. اگرچه در صورت تحقق سایر شرایط دولت‌بودگی، نمی‌توان فرض تحقق دولت را در بخشی که تحت کنترل این مناطق است، از نظر دور داشت.

41. Weller, Marc, "Russia's Recognition of the 'Separatist Republics' in Ukraine was Manifestly Unlawful", *ejiltalk*, 9 March 2022, available at: <ejiltalk.org/russias-recognition-of-the-separatist-republics-in-ukraine-was-manifestly-unlawful/>, last seen 13th October 2022.

۴۲. کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بین‌الملل، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷.

پس از بیان این دیدگاه، با ارجاع به نظر برخی نویسندگان، زودرس بودن شناسایی جمهوری کرواسی از سوی برخی اعضای جامعه اروپایی یعنی اتریش و سوئیس در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۲ را پیش می‌کشد؛ چون در آن زمان، جمهوری کرواسی تنها می‌توانست یک‌سوم از قلمرو مورد ادعای خویش را کنترل کند.^{۴۳} جالب توجه است که این امر در خصوص جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک نیز صدق می‌کند زیرا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره رفت، قلمرو مورد ادعای ایشان که روسیه آن را شناسایی کرده است، نزدیک به سه برابر مساحتی است که این جمهوری‌ها در زمان شناسایی روسیه بر آن کنترل دارند.

همچنین، بحث عدم مشروعیت شناسایی دولتهایی که با توسل به زور ایجاد شده‌اند، موضوع مهم دیگری است که در بافت موضوع مورد مطالعه، شایسته اشاره است. نیک معلوم است که در حقوق بین‌الملل کنونی و در دنباله نظریه موسوم به /استیمسون در ۱۹۳۲، تردیدی در ضرورت عدم شناسایی کشور جدید یا اصولاً هر وضعیت دیگری که ناشی از اعمال غیرقانونی زور باشد، وجود ندارد.^{۴۴} در واقع، چنان‌که پروفیسور جیمز کرفورد ابراز داشته است، از ۱۹۳۲ و پس از نظریه /استیمسون و متعاقب قطعنامه‌های جامعه ملل در بحران منچوری بود که تعهدی دایر بر عدم شناسایی جمعی^{۴۵} در ساحت حقوق بین‌الملل پدیدار شد؛ تعهدی که از تحکیم و تقویت وضعیت‌های غیرقانونی پیشگیری می‌کند. یکی از موقعیت‌هایی که این تعهد مطرح می‌شود، زمانی است که غیرقانونی بودن مورد استناد برای عدم شناسایی وضعیت ذی‌ربط، اساسی و به‌طور خاص متضمن هنجاری تخلف‌ناپذیر از حقوق بین‌الملل است. در چنین موقعیتی، دولت‌ها به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی، ملزم به عدم شناسایی عمل یا وضعیت مورد نظر به‌عنوان عمل یا وضعیتی قانونی هستند.^{۴۶} از همین روست که وی با تأکید بر سرشت بنیادین قاعده منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل و با یادآوری مداخله غیرقانونی ژاپن در منچوری، موجودیت ناشی از نقض قاعده توسل به زور و منع مداخله را دست‌نشانده و فاقد استقلال و در نتیجه فاقد یکی از ویژگی‌های دولت‌بودگی می‌داند.^{۴۷} بر این پایه، توسل به زور روسیه علیه تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی کشور اوکراین، ناقض اصول بنیادین منع توسل غیرقانونی به زور و ممنوعیت تجاوز سرزمینی به نظر می‌رسد.^{۴۸} از دیگر سوی، شناسایی استقلال دونتسک و لوهانسک که با توسل به زور و مداخله روسیه و بدون دارا بودن ویژگی‌های لازم برای تحقق دولت‌بودگی، از

۴۳. همان، صص ۱۰۸-۱۰۷.

۴۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی‌وسوم، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶.

45. Collective Non-Recognition

46. Crawford, *op. cit.*, pp. 159-160.

47. *Ibid.*, pp. 131-134.

48. Green, James A. *et al.*, "Russia's Attack on Ukraine and the Jus ad Bellum", *Journal on the Use of Force and International Law*, vol. 9, No. 1, 2022, p. 27.

اوکراین اعلام استقلال کردند، مصداق بارز نقض تعهد دولت‌ها دایر بر عدم شناسایی وضعیت‌های ناشی از توسل غیرقانونی به زور طبق حقوق بین‌الملل عرفی، اصل منع مداخله و اصل تمامت ارضی و نیز موافقت‌نامه‌های مینسک ۱ و ۲ به نظر می‌رسد.

چنان‌که پیش‌تر اشاره رفت، یکی از دستاویزهای روسیه برای یورش نظامی به اوکراین، تعهد این کشور به دفاع از خود جمعی طبق موافقت‌نامه ۱۰ ساله این کشور با رهبران دو منطقه جدایی‌طلب دوتسک و لوهانسک است. این مقاله، مجال بررسی مسائل مربوط به توسل به زور در چارچوب دفاع مشروع و ویژگی‌های آن را ندارد. آنچه هویدا می‌نماید این است که مفهوم دفاع از خود جمعی متضمن وجود بیش از یک دولت برای اعمال آن است. یعنی در این قضیه باید دوتسک و لوهانسک یا دست‌کم یکی از آن‌ها دولت محسوب شوند تا روسیه بتواند بر اساس آن، و البته در صورت تحقق شرایط لازم برای دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، همچون وقوع حمله مسلحانه و رعایت اصول ضرورت و تناسب، مدعی مشروعیت اقدام خود در مقام اعمال حق دفاع از خود جمعی برای پیشگیری یا توقف ژنوسید ادعایی علیه مردم روس تبار این دو منطقه باشد. شاید گفته شود اگر جنگ به سطح مخاصمه مسلحانه داخلی برسد، به نوعی که جدایی‌طلبان کنترل بخشی از سرزمین را در اختیار داشته باشند (حاکمیت مؤثر)، شرایط دولت ایجاد شده است و لذا دفاع در حمایت از آن‌ها همان قدر مشروع است که دفاع در حمایت از دولت مرکزی. با این حال، مستنبط از دیدگاه صاحب‌نظران، کنترل بر بخشی از سرزمین در چنین موردی اولاً شرط شناسایی طرف شورشی به‌عنوان طرف متخاصم از سوی دیگر دولت‌ها است و نه شناسایی آن‌ها به‌عنوان کشوری مستقل؛ و در ثانی، کنترل بخشی از سرزمین به این معناست که قابلیت ایجاد یک دولت جدید وجود دارد،^{۴۹} نه اینکه صرف کنترل بر بخشی از سرزمین، برای تحقق دولت و دولت‌بودگی کافی دانسته شود. همچنین، چنان‌که اندیشمندان مربوط به حقوق بین‌الملل ناظر بر جدایی‌طلبی گفته‌اند، اقدامات شورشیان منتسب به یک دولت خارجی، منتسب به دولتی است که بر اقدامات شورشیان، کنترل مؤثر و مستقیم دارد و در چنین حالتی، درگیری‌های مسلحانه میان شورشیان و حکومت مرکزی از دایره درگیری‌های غیربین‌المللی خارج و درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی شکل می‌گیرد.^{۵۰} افزون بر این، با توجه به اینکه یکی از اشکال بین‌المللی شدن درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، شناسایی طرف شورشی در

۴۹. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۹۳، ص ۸۴.

۵۰. ضیایی، سیدیاسر؛ «تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۷۷.

درگیری‌های غیربین‌المللی به‌عنوان کشور مستقل است،^{۵۱} به نظر می‌رسد شناسایی دونتسک و لوهانسک به‌عنوان کشورهای مستقل از طرف روسیه و یورش تمام‌عیار این کشور علیه اوکراین، یک درگیری مسلحانه بین‌المللی را رقم زده است.

پیش‌تر ملاحظه شد که نمی‌توان هیچ‌یک از مناطق مزبور را واجد ویژگی‌های دولت دانست، اگرچه در صورت تحقق سایر شرایط دولت‌بودگی، نمی‌توان فرض تحقق دولت را در بخشی که تحت کنترل جدایی‌طلبان است از نظر دور داشت. حتی در فرض دولت‌بودن این مناطق، باز هم به‌کارگیری زور برای پیشگیری یا توقف ژنوسید ادعایی علیه روس‌تباران دونتسک و لوهانسک، تنها گزینه موجود نیست و در نتیجه ضروری به نظر نمی‌رسد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه قضایی خود و از جمله در قضایای نیکاراگوئه، تسلیحات هسته‌ای، سکوهای نفتی و فعالیت‌های مسلحانه در جمهوری کنگو، برای مشروعیت دفاع از خود جمعی همین معیار را مقرر داشته است. به نظر می‌رسد حتی اگر فرضیه ارتکاب ژنوسید علیه روس‌تباران دونتسک و لوهانسک از سوی حکومت مرکزی اوکراین قابل پذیرش باشد، همچنان نمی‌توان مبادرت به حمله مسلحانه با تمسک به دفاع جمعی را تنها راهکار موجود برای توقف یا پیشگیری از ژنوسید دانست و در نتیجه آن را در این زمینه ضروری قلمداد کرد. نظر به اینکه روسیه همچون اوکراین، طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و مجازات ژنوسید است، با توجه به ظرفیت‌های این کنوانسیون، از جمله می‌توانست خواستار اقدام ارکان صلاحیت‌دار سازمان ملل متحد برای پیشگیری و سرکوب ژنوسید شود.^{۵۲} به‌علاوه دیوان بین‌المللی دادگستری در دستور موقت ۱۶ مارس ۲۰۲۲ در ارتباط با دعوای اوکراین علیه فدراسیون روسیه راجع به اتهام ژنوسید اعلام کرد که در پرتو هدف و موضوع کنوانسیون ۱۹۴۸، اینکه این سند، مجوز کاربرد یک‌جانبه زور در سرزمین کشوری دیگر برای پیشگیری یا توقف ژنوسید ادعایی را به یکی از اطراف متعاقد بدهد، محل تردید است.^{۵۳}

۳. بایسته‌ها و شرایط تحقق جدایی چاره‌ساز در حقوق بین‌الملل

جدایی چاره‌ساز، یکی از جلوه‌های حق تعیین سرنوشت خارجی در زمینه غیراستعماری است. در این فرض، ساکنان سرزمین جدایی‌طلب بر آن‌اند که علی‌رغم مخالفت حکومت مرکزی،

۵۱. همان، ص ۱۷۴.

52. Quoted in: Dananjaya, Satyayundha Dhananjaya, *op.cit.*, pp. 55-56.

53. ICJ, *Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Ukraine v. Russian Federation)*, Order, 16 March 2022, para. 59.

سرنوشت خارجی خود را از طریق بنیان نهادن دولتی جدید تعیین نمایند.^{۵۴} فرض اخیر دقیقاً همان محل و بستری است که نظریه جدایی چاره‌ساز در آن پدیدار شده و نشو و نمو یافته است. بر اساس رأی دیوان عالی کانادا در قضیه جدایی کبک که در آن با بیانی احتیاط‌آمیز حق تعیین سرنوشت خارجی در بافت غیراستعماری را در شرایط و اوضاع و احوال بسیار استثنایی و خاص تجویز کرد، رویه کمیسیون افریقایی حقوق بشر^{۵۵} و نظرات بسیاری از علمای نامدار حقوق بین‌الملل همانند آتونو کاسسه، جیمز کرافورد، کریستین توموشتات و عبدالقوی احمد یوسف، نظریه جدایی چاره‌ساز به‌عنوان قاعده قابل اعمال^{۵۶} در حل و فصل مطالبات جدایی‌طلبانه مطرح شده است. بر پایه این نظریه، گروه‌های جدایی‌طلب باید حق تعیین سرنوشت خویش را در چارچوب تمامیت ارضی دولت متبوع خویش اعمال کنند؛ یعنی گروه‌های اقلیت حق دارند از رهگذر شیوه‌هایی همچون خودگرانی و فدرالیسم که مشارکت معنادار آن‌ها را در نظام سیاسی دولت متبوع‌شان تضمین کنند، حق تعیین سرنوشت خود را به کار بندند؛ ولی اگر حکومت مرکزی یا گروه اکثریت، مانع اعمال حق تعیین سرنوشت داخلی این گروه‌ها شود و به سخنی دقیق‌تر، در مشارکت معنادار و مؤثر و برابر آن‌ها در اداره کشور مانع ایجاد کند، آن‌گاه به‌منزله یک راه‌حل جبرانی، حق جدایی چاره‌ساز به‌عنوان جلوه بیرونی حق تعیین سرنوشت ایجاد می‌شود. به گفته‌ای دیگر، مادامی که بایسته‌های وجه درونی حق تعیین سرنوشت، رعایت و محقق شوند، مجال و محملی برای اعمال وجه بیرونی آن پیش نمی‌آید. ولی شرط مهم ایجاد وجه بیرونی حق تعیین سرنوشت آن است که مذاکرات مربوط به تأمین حق تعیین سرنوشت داخلی بر اساس یکی از شیوه‌های مورد توافق به بن‌بست برسد و هیچ راهی جز جداشدن باقی نماند.^{۵۷}

۵۴. عزیز، ستار؛ حق تعیین سرنوشت در آیین حقوق بین‌الملل (دفتر اول: حق تعیین سرنوشت خارجی)، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، ۱۴۰۰، ص ۱۹۶.

۵۵. در خصوص رویه کمیسیون افریقایی حقوق بشر در زمینه حق تعیین سرنوشت، از جمله، ن. ک.:

Solomon, Stefan, "Self-Determination in the Case Law of the African Commission: Lessons for Europe", *Verfassung und Recht in Übersee / Law and Politics in Africa, Asia and Latin America*, vol. 50, No. 3, 2017 (Special Issue: Self-Determination and Indigenusness), pp. 217-241.

56. Applicable Rule

۵۷. از این رو عبارت «چاره‌ساز» بر عبارت «جبرانی» در ترجمه remedial ترجیح داده شد زیرا هواداران این نظریه هم‌داستانند که بلافاصله پس از عدم رعایت حق تعیین سرنوشت داخلی، حق بر جداشدن ایجاد نمی‌شود، بلکه می‌بایست مذاکرات مربوط به تأمین وجه درونی حق نیز به بن‌بست رسیده باشد و راهکار دیگری برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برابر میان گروه‌های اقلیت و اکثریت باقی نماند. در این صورت، جدایی به‌عنوان راهکاری عمل می‌کند که با جدانمودن جوامع رقیب و متخاصم، مهر پایانی بر مخاصمه می‌زند و صلح را به ارمغان می‌آورد و به این ترتیب، راه‌حل و چاره‌ای جهت فیصله منازعه پدید می‌آورد. این نظر از آنجایی تقویت می‌شود که در فرهنگ واژگان انگلیسی- فارسی معتبری همچون *حییم* نیز در برابر واژه‌های remedy و remedial از واژگان چاره و چاره‌ساز استفاده شده است و به این اعتبار، به باور نگارندگان،

همان‌گونه که پژوهشگران بیان داشته‌اند، بررسی نظرات حقوق‌دانان بین‌المللی هوادار دکتربین جدایی چاره‌ساز، نشان می‌دهد که برای استناد به این دکتربین، شرایط و اوضاع و احوال خاصی لازم است و تحقق همه این شرایط و اوضاع و احوال در زمان استناد به دکتربین یادشده، ضرورت دارد.^{۵۸} ایشان با کندوکاو در دیدگاه‌های هواداران نظریه جدایی چاره‌ساز، اهم شرایط و بایسته‌هایی را که تحقق هم‌زمان آن‌ها برای استناد به نظریه ذی‌ربط ضروری است، چنین برمی‌شمارند: الف) انکار مستقیم یا غیرمستقیم حق تعیین سرنوشت داخلی؛ ب) نقض‌های گسترده، مستمر و منظم حقوق بنیادین بشر؛ ج) پیوند گروه جدایی‌طلب با بخشی از سرزمین یک دولت؛ د) قرارگرفتن گروه جدایی‌طلب در قلمرو مفهوم «مردم»؛^{۵۹} ه) طی همه مراحل و راه‌حل‌های مؤثر و واقع‌بینانه داخلی برای احقاق حق تعیین سرنوشت داخلی.^{۶۰} آنچه نیاز به تأکید دارد این است که صرف انکار حق تعیین سرنوشت داخلی برای تحقق جدایی چاره‌ساز کافی نیست.^{۶۱}

بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده و مطالعه دکتربین، رویه قضایی و رویه دولت‌ها، در مورد آستانه مشروعیت توسل به جدایی چاره‌ساز نیز دو دیدگاه کلی وجود دارد. برخی از آستانه‌ای متوسط و بعضی دیگر نیز از آستانه‌ای بالا برای امکان تمسک به این نظریه، حمایت می‌کنند. برخی تنها الحاق ظالمانه، ژنوسید یا نقض گسترده اساسی‌ترین حقوق افراد را برای توجیه جدایی یک‌جانبه کافی می‌دانند. گروهی نیز بی‌اعتنایی حکومت مرکزی به بهره‌مندی اقلیت‌ها از خودمختاری و خودگردانی یا نقض اختیارات خودگردانی موجود را جهت ایجاد حق جدایی کافی می‌شمارند. همچنین اعمال سیاست آپارتاید و تبعیض نژادی می‌تواند حق بر جدایی یک‌جانبه را برای گروه تحت ستم ایجاد کند. در واقع، در آستانه بالا، جدایی تنها در فرضی ایجاد می‌شود که حکومت مرکزی با ارتکاب ژنوسید، خواهان نابودی آن گروه شده و اقداماتی را در این راستا انجام داده باشد؛ ولی در آستانه متوسط، اگر حکومت مرکزی از تأمین درخور حق تعیین سرنوشت متعلق به گروه خواستار جدایی خودداری ورزد و حقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها را به نحو برابر با

به‌کارگیری «چاره‌ساز» در ادبیات حقوقی فارسی، نه تنها از لحاظ مفهومی، بلکه از نظر لفظی نیز درست بوده و بر استفاده از «جبرانی» برتری دارد.

۵۸. حبیبی، همایون و علی نواری؛ «ارزیابی وجود حق بر جدایی چاره‌ساز یا جبرانی به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۰۱.

۵۹. برای آگاهی از مفهوم مردم یا خلق در بافت جدایی چاره‌ساز، ن.ک:

Glen, Anderson, "Unilateral Non-Colonial Secession in International Law and Declaratory General Assembly Resolutions: Textual Content and Legal Effects", *Denver Journal of International Law and Policy*, vol. 41, Issue 3, January 2013, pp. 350-353.

۶۰. حبیبی و نواری، همان، صص ۱۰۴-۱۰۲.

۶۱. کرم‌زاده، امین و دیگران؛ «استقلال‌طلبی منطقه کاتالونیا از منظر حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، ص ۹۵۵.

اکثریت تأمین نکند و از تأمین خواسته‌های ناظر بر خودگردانی در سرزمین محل سکونت آن‌ها اجتناب کند، حق بر جدایی ایجاد می‌شود.

همچنین شایسته یادکرد است که حق جدایی یک‌جانبه تنها به‌عنوان حقی ثانویه و در شرایط بسیار خاص و استثنایی پدیدار می‌شود و تنها در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که ظلم و بی‌عدالتی و نقض جدی و گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به آستانه‌ای رسیده باشد که امکان همزیستی میان اکثریت و اقلیت را از میان برده و هیچ راه‌حل مؤثر و واقعی برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز باقی نمانده باشد.^{۶۲} ذکر بسندگی ارتکاب ژنوسید در آستانه بالای قابلیت اعمال جدایی چاره‌ساز، به معنای نادیده‌گرفتن دیگر شرایط این نظریه نیست. در واقع، در آستانه بالا، در چارچوب یکی از شرط‌ها و بایسته‌های جدایی چاره‌ساز یعنی نقض نظام‌مند حقوق بشر، ژنوسید به‌عنوان بارزترین و بالاترین سطح این نقض در نظر گرفته شده است.

۴. بررسی تحقق نظریه جدایی چاره‌ساز در مورد لوهانسک و دونتسک

بر پایه سه گفتار پیشین، به نظر می‌رسد تحقق دو شرط اساسی برای تأیید قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز بر وضعیت دونتسک و لوهانسک و تجویز جدایی یک‌جانبه برای آن‌ها ضروری است: (۱) ارتکاب ژنوسید علیه روس‌تباران این مناطق در چارچوب شرط نقض سیستماتیک، شدید و درازمدت حقوق بشر؛ (۲) به‌بن‌بست رسیدن مذاکرات و همه تلاش‌ها در نتیجه ناتوانی اوکراین در اجرای موافقت‌نامه‌های مینسک.

پوتین در نطق تلویزیونی خود، هدف از یورش مسلحانه خود در قالب عملیات ویژه نظامی را حمایت از مردمی عنوان کرد که برای هشت سال، با تحقیر و ژنوسید از سوی رژیم کی‌یف مواجه بوده‌اند. او در این نطق عنوان کرد که اوکراین در حال هدف‌قراردادن و کشتار روس‌زبانان شرق اوکراین است. ادعای ارتکاب ژنوسید به دست دولت اوکراین علیه روس‌تباران استان‌های دونتسک و لوهانسک از سوی مقامات روسی و به‌طور خاص پوتین در حالی مطرح شده است که اوکراین از ۲۰۱۴ کنترل کاملی بر این مناطق ندارد و همین امر اثبات ارتکاب ژنوسید علیه روس‌تباران آنجا را دشوار می‌کند. واقعیت آن است که روسیه برای ادعای خود شواهد و قرائن مثبت‌های را ارائه نداده و تنها با پخش سندی در صحن سازمان ملل متحد، مدعی ریشه‌کن‌سازی جمعیت غیرنظامی واقع در دونتسک و لوهانسک است. البته چنان‌که در بخش‌های پیشین نیز آمد، درگیری‌های میان نیروهای دولت مرکزی اوکراین و جدایی‌طلبان دونتسک و لوهانسک تحت پشتیبانی روسیه، تلفات انسانی بسیاری داشته و موجب آوارگی داخلی بیش از یک‌ونیم

۶۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه: ن.ک: ویسی چمه و عزیز، پیشین، صص ۱۵۷-۱۴۷.

میلیون نفر شده است. همچنین گزارش‌های میدانی از نقض حقوق بشر از سوی هر دو طرف درگیری‌ها حکایت دارند و از جمله مبادرت به بازداشت خودسرانه و شکنجه را از هر دو سوی میدان تأیید می‌کنند.^{۶۳} ولی بی‌گمان نمی‌توان هیچ‌یک از این نقض‌ها را با جنایت ژنوسید مقایسه کرد و رأی به ارتکاب آن داد. این دیدگاه زمانی بیشتر تقویت می‌شود که در مخالفت و برخلاف مدعای روسیه دایر بر ریشه‌کن‌سازی غیرنظامیان در منطقه‌های دونتسک و لوهانسک، کمیته حقوق بشر در ملاحظات پایانی هشتمین گزارش ادواری خود در ۹ فوریه ۲۰۲۲ یعنی ۱۵ روز پیش از آغاز یورش نظامی روسیه به اوکراین بر پایه ارتکاب نسل‌زدایی علیه روس‌تباران، از وضعیت اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در اوکراین، از اقدامات اوکراین در راستای تقویت حمایت از غیرنظامیان و بهبود چشمگیر وضعیت امنیتی مناطق دونتسک و لوهانسک که تحت کنترل دولت نیستند و نیز جمهوری خودمختار کریمه و شهر سواستوپول که موقتاً تحت اشغال فدراسیون روسیه قرار دارد، تمجید کرد.^{۶۴}

البته کمیته در ادامه، از عدم تصویب راهبرد ملی حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه تا دوره زمانی ۲۰۳۰ و آمار زخمیان و کشته‌شدگان ناشی از مین‌های زمینی در شرق اوکراین نیز ابراز نگرانی کرد.^{۶۵} در واقع، با توجه به عدم کنترل دولت اوکراین بر مناطق دونتسک و لوهانسک که به تأیید کمیته حقوق بشر نیز رسیده است، فقدان شواهد و قرائن مثبت دایر بر وقوع جنایت ژنوسید و بی‌پشتوانه‌بودن ارتکاب آن به دست اوکراین و نیز دیدگاه کمیته حقوق بشر در خصوص وضعیت حمایت از غیرنظامیان در مناطق مزبور از سوی دولت مرکزی اوکراین، روی هم‌رفته، به نظر می‌رسد که ادعای روسیه در این زمینه، از نظر حقوقی، متقن، مستند و مستدل نباشد.

همچنین اشاره شد که پس از اعلام استقلال دونتسک و لوهانسک در ۲۰۱۴ و درخواست آن‌ها برای الحاق به روسیه،^{۶۶} درگیری‌های مسلحانه پراکنده‌ای میان حکومت مرکزی و نیروهای این مناطق با پشتیبانی و حتی مشارکت مستقیم یگان‌های نظامی روسیه شکل گرفت. با پیشروی نیروهای اوکراین در مناطق یادشده و بیم روسیه از کنترل مجدد حکومت مرکزی بر این مناطق، در اوت ۲۰۱۴ نیروهای روسی یورش تمام‌عیاری را به سوی لوهانسک، ایلوواسیک و

63. Hinton, Alexander, "Putin's Claims that Ukraine is Committing Genocide are Baseless, but not Unprecedented", *The Conversation*, 25 February 2022, available at: <<https://theconversation.com/putins-claims-that-ukraine-is-committing-genocide-are-baseless-but-not-unprecedented-177511>>, last seen 17th May 2022.

64. Human Rights Committee, Concluding Observations on the Eighth Periodic Report of Ukraine, 9 February 2022, CCPR/C/UKR/CO/8, para. 21.

65. *Ibid.*

66. Cavandoli, Sofia, "The Unresolved Dilemma of Self-Determination: Crimea, Donetsk and Luhansk", *The International Journal of Human Rights*, vol. 20, Issue 7, 2016, p. 884.

ماریوپول آغاز کردند.^{۶۷} با پشتیبانی و ورود مستقیم روسیه در درگیری‌ها، آمار تلفات و کشته‌ها رو به فزونی رفت و نیروهای دونتسک و لوهانسک بار دیگر کنترل برخی شهرها را در اختیار گرفتند و نیروهای اوکراینی شکست‌هایی را متحمل شدند. پس از آن بود که با میانجی‌گری آلمان و فرانسه، مذاکراتی میان گروه موسوم به گروه تماس سه‌جانبه در خصوص اوکراین^{۶۸} متشکل از اوکراین، روسیه و سازمان امنیت و همکاری اروپا^{۶۹} در گرفت که به امضای موافقت‌نامه‌های موسوم به مینسک ۱^{۷۰} در سپتامبر ۲۰۱۴ و مینسک ۲^{۷۱} در فوریه ۲۰۱۵ به دست نمایندگان جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک، نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا، نماینده روسیه و نماینده اوکراین انجامید.

هدف پروتکل مینسک، برقراری آتش‌بس فوری در منطقه دونباس بود. با وجود این، آتش‌بس دوامی نداشت و به توقف دائمی مخاصمات نینجامید و حمله نیروهای دو منطقه لوهانسک و دونتسک به مناطق تحت کنترل حکومت مرکزی اوکراین، موجب فروپاشی کامل پروتکل مینسک شد.^{۷۲} وضعیت امنیتی منطقه دونباس در نیمه دوم ۲۰۱۴ همچنان رو به وخامت بود و در ۲۰۱۵ نیز با تشدید درگیری‌ها در این منطقه آغاز شد. به همین خاطر، رهبران گروه نرماندی^{۷۳} متشکل از فرانسه، آلمان، روسیه و اوکراین، بار دیگر در ۱۱ فوریه در مینسک، پایتخت کشور بلاروس، گرد آمدند و کوشیدند از شدت مخاصمه‌ای که به اوج خود رسیده بود، بکاهند و راه‌حلی سیاسی برای آن بیندیشند. پس از ماراتن مذاکراتی ۱۶ ساعته، بر سر آتش‌بسی جدید توافق به عمل آمد و این توافق در قالب ۱۳ نکته در «بسته اقدامات مربوط به اجرای موافقت‌نامه‌های مینسک»، که با عنوان مینسک ۲ شناخته می‌شود، پی‌ریزی شد. در بیانیه مشترکی که متعاقب امضای موافقت‌نامه مینسک ۲ صادر شد، رهبران گروه نرماندی به احترام تام خویش به حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی اوکراین تصریح کردند، بر نبود هیچ‌گونه جایگزینی برای راهکار انحصاراً مسالمت‌آمیز تأکید و قصد خود را دایر بر به‌کارگیری نفوذ

67. <<https://www.theguardian.com/world/2014/aug/28/ukraine-russia-emergency-un-nato-eu-meetings-invasion-claim>>, last seen 13th October 2022.

68. Trilateral Contact Group on Ukraine

69. Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE)

70. Minsk I: Protocol on the Results of Consultations of the Trilateral Contact Group with Respect to the Joint Steps Aimed at the Implementation of the Peace Plan of the President of Ukraine, P. Poroshenko, and the Initiatives of the President of Russia, V. Putin

71. Minsk II: The Memorandum on the Implementation of the Provisions of the Minsk Protocol + The Package of Measures for the Implementation of the Minsk Agreements

72. "Ukraine Forces Admit Loss of Donetsk Airport to Rebels", *The Guardian*, 21 January 2015, last seen 1st April 2022.

73. Normandy Format or Format Normandie

خویش بر طرف‌های متبوعه برای تسهیل اجرای موافقت‌نامه اعلام کردند.^{۷۴} همچنین طرف‌های گروه نرماندی توافق نمودند که موافقت‌نامه مینسک ۲، مبنای حل‌وفصل مخاصمه در آینده باشد.

مهم‌ترین نکته‌های بندهای سیزده‌گانه موافقت‌نامه مینسک ۲ را می‌توان چنین تلخیص کرد: (۱) آتش‌بس فوری و کامل در بخش‌های مشخصی از استان‌های دونتسک و لوهانسک (اوکراین؛ ۲) خارج کردن تسلیحات سنگین از سوی هر دو طرف درگیری و استقرار آن‌ها در فاصله‌ای برابر و با هدف ایجاد منطقه امنیتی که باید حداکثر ۲ روز پس از آغاز آتش‌بس شروع شود و در طول ۱۴ روز پایان یابد؛ (۳) پایش و واریسی نظام آتش‌بس و خروج تسلیحات سنگین به‌دست سازمان امنیت و همکاری اروپا؛ (۴) انجام گفتگو بر سر برگزاری انتخابات محلی مطابق قوانین اوکراین و قانون این کشور «راجع به دستور موقت خودمدریری محلی در بخش‌های خاصی از استان‌های دونتسک و لوهانسک»^{۷۵} و نیز در خصوص آینده این بخش‌ها بر پایه قانون یادشده و همچنین تعیین قلمروی که طبق این قانون تحت نظام ویژه قرار می‌گیرد؛ (۵) عفو عمومی و ممنوع‌سازی اذیت و آزار و مجازات اشخاص مرتبط با وقایع رخ داده در بخش‌های معینی از دونتسک و لوهانسک اوکراین از رهگذر تصویب قانونی خاص در این زمینه؛ (۶) آزادسازی و مبادلهٔ گروگان‌ها و افرادی که به‌صورت غیرقانونی بازداشت شده‌اند؛ (۷) فراهم‌سازی دسترسی، تحویل، نگاهداری و توزیع ایمن کمک‌های بشردوستانه به افراد نیازمند بر اساس یک سازکار بین‌المللی؛ (۸) تعریف چندوچون اعادهٔ کامل پیوندهای اجتماعی و اقتصادی از جمله دادوستدهای اجتماعی مانند پرداخت حقوق و دیگر پرداخت‌ها و مدیریت مجدد اوکراین بر نظام بانکی مناطق متأثر از مخاصمه؛ (۹) اعادهٔ کنترل مرزهای دولتی به دولت اوکراین در کل منطقهٔ مخاصمه که روز نخست پس از انتخابات محلی آغاز و با حل‌وفصل کامل سیاسی در پایان ۲۰۱۵ و با لحاظ نکتهٔ شمارهٔ ۱۱ خاتمه می‌یابد؛ (۱۰) خروج تشکیلات مسلح، تجهیزات نظامی و نیز مزدوران خارجی از سرزمین اوکراین و خلع سلاح گروه‌های غیرقانونی؛ (۱۱) اصلاح قانون اساسی اوکراین تا پایان ۲۰۱۵ که عنصر کلیدی آن، تمرکززدایی با لحاظ ویژگی‌های خاص بخش‌های معینی از استان‌های دونتسک و لوهانسک طبق اقدامات مقرر در پانوشت ضمیمه؛ (۱۲) بحث و موافقت در خصوص مسائل مرتبط با انتخابات محلی بر پایهٔ قانون اوکراین راجع به دستور موقت مرتبط با خودمدریری بخش‌های خاصی از استان‌ها دونتسک و لوهانسک در چارچوب گروه تماس سه‌جانبه؛ (۱۳) افزایش فعالیت گروه تماس سه‌جانبه از جمله از رهگذر ایجاد گروه‌های کاری در

74. Golanski, Robert, "One Year After Minsk II: Consequences and Progress", *European View*, vol. 15, Issue 1, 2016, pp. 69-70.

75. On Temporary Order of Local Self-Governance in Particular Districts of Donetsk and Luhansk Oblasts

مورد اجرای ابعاد ذی‌ربط موافقت‌نامه‌های مینسک.^{۷۶}

گفتنی است پانوشت ضمیمه نکتته شماره ۱۱، به برشماری اقداماتی که باید در قانون اوکراین راجع به دستور موقت مرتبط با خودمدیری محلی بخش‌های معینی از استان‌های دونتسک و لوهانسک گنجانده شوند، می‌پردازد و آن‌ها را این‌چنین مشخص می‌سازد: آزادی اشخاص مرتبط با رویدادهای رخ داده در بخش‌های معینی از استان‌های دونتسک و لوهانسک از مجازات، آزار و اذیت و تبعیض؛ حق بر تعیین سرنوشت زبانی؛ مشارکت دولت خودگردان محلی در انتصاب رؤسای دادستانی‌ها و دادگاه‌ها در بخش‌های خاصی از استان‌های دونتسک و لوهانسک؛ امکان انعقاد موافقت‌نامه از سوی ارکان اجرایی مرکزی با مقامات محلی ذی‌ربط در خصوص توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخش‌های معینی از استان‌های دونتسک و لوهانسک؛ پشتیبانی حکومت اوکراین از توسعه اجتماعی-اقتصادی بخش‌های معینی از استان‌های دونتسک و لوهانسک؛ کمک ارکان اجرایی مرکزی به همکاری بین‌مرزی بخش‌های خاصی از استان‌های دونتسک و لوهانسک با مناطق فدراسیون روسیه؛ آزادی شوراهای محلی در اتخاذ تصمیم راجع به ایجاد یگان‌های چریکی مردمی برای حفظ نظم عمومی در بخش‌های معینی از استان‌های دونتسک و لوهانسک؛ و عدم خاتمه زود هنگام اختیارات معاونان و مقامات شورای محلی انتخابی در انتخابات اولیه که از سوی شورای عالی اوکراین^{۷۷} طبق قانون یا شده منسوب شده‌اند.^{۷۸}

به‌رغم اجرایی‌شدن آتش‌بس، درگیری‌های پراکنده میان نیروهای نظامی اوکراین از یک‌سو و نیروهای جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک به پشتیبانی روسیه از سوی دیگر در برخی مناطق همچنان ادامه داشت.^{۷۹} هر دو طرف اعلام کردند که تسلیحات سنگین خود را از منطقه درگیری خارج نمی‌کنند.^{۸۰} به‌ویژه در شهر دبالتسیو^{۸۱} درگیری‌های شدیدی رخ نمود که سرانجام به اشغال این شهر به دست جدایی‌خواهان منجر شد.^{۸۲} پس از تصرف دبالتسیو به دست جدایی‌خواهان هوادار روسیه، نبرد اندکی فروکش کرد. نیروهای

۷۶. برای دسترسی به متن کامل این موافقت‌نامه، ن.ک:

Minsk Agreement on Ukraine Crisis: Text in Full", *The Daily Telegraph*, 12 February 2015, last seen 25th March 2022.

77. Verkhovna Rada

۷۸. ن.ک:

Minsk agreement on Ukraine crisis: text in full", *op.cit.*

79. "Fears for Ukraine's Ceasefire as Clashes with Russia-Backed Rebels Intensify", *The Guardian*, 15 February 2015, last seen 1st April 2022.

80. "Ukraine Crisis: Army and Rebels Stall Heavy Arms Pullout", *BBC News*, 17 February 2015, last seen 1st April 2022.

81. Debaltseve

82. "Ukrainian Soldiers Share Horrors of Debaltseve Battle after Stinging Defeat", *The Guardian*, 18 February 2015, last seen 1st April 2022.

دونتسک و لوهانسک در ۲۴ فوریه و اوکراین در ۲۶ فوریه ۲۰۱۵، تسلیحات خود را از خطوط مقدم جبهه خارج کردند.^{۸۳}

پارلمان اوکراین، پیرو موافقت‌نامه مینسک ۲، در ۱۷ مارس ۲۰۱۵ قانونی را در خصوص اعطای موقعیت ویژه به منطقه دونباس تصویب کرد.^{۸۴} سپس در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۹، به نفع اعطای خودگرانی محدود به مناطق شرقی تحت کنترل جدایی‌طلبان رأی داد.^{۸۵} این کار با انتقادات زیادی، هم از سوی ملی‌گرایان اوکراین و هم از طرف رهبران جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک روبه‌رو شد. ملی‌گرایان اوکراین آن را شناسایی اشغالگری روسیه در منطقه دونباس خواندند و رهبران دونتسک و لوهانسک، آن را تغییر یک‌سویه موافقت‌نامه مینسک ۲ از سوی حکومت مرکزی قلمداد و در ژوئن ۲۰۱۵ اعلام کردند که همچون آنچه در مورد شبه‌جزیره کریمه رخ داد، خواهان الحاق به خاک فدراسیون روسیه هستند. در حالی که طبق برنامه‌ریزی قرار بود انتخابات محلی اوکراین در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۵ برگزار شود، رهبر جمهوری خلق دونتسک طی فرمانی اعلام کرد انتخابات محلی این جمهوری در ۱۸ اکتبر برگزار می‌شود.^{۸۶} به هر روی، پس از کش‌وقوس‌های فراوان و مخالفت‌های حکومت مرکزی اوکراین، انتخابات محلی دونتسک و لوهانسک در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۸ برگزار شد.^{۸۷} روی هم رفته، پس از تصرف دبالتسیو و اشغال یک‌سوم منطقه دونباس در اوکراین، درگیری‌های پراکنده همچنان وجود داشت و چنان‌که در بخش یکم نیز آمد، منجر به تلفاتی از هر دو طرف نیز شد. یورش گسترده روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ نیز عملاً موافقت‌نامه مینسک ۲ را فروپاشاند و این کشور را وارد مرحله‌ای جدید از تنش و درگیری کرد.

نکته‌ای که می‌بایست در خصوص موافقت‌نامه‌های مینسک از نظر دور نداشت، شرایط و اوضاع و احوال حاکم هنگام تدوین و امضا آن‌ها است؛ یعنی زمانی که روسیه با مداخله نظامی و از طریق توسل به زور، شبه‌جزیره کریمه را از خاک اوکراین جدا و در نهایت به قلمرو خویش ملحق کرد. به نظر می‌رسد شرایط مندرج در موافقت‌نامه مینسک را هم باید حاصل اعمال نفوذ روس‌ها دانست. در واقع، همان‌گونه که نویسندگان گزارش ۱۰ مه ۲۰۲۲ مرکز مطالعات اروپایی شرقی در *استکهلم* بیان می‌دارند، سرانجام مشخص شد این موافقت‌نامه‌ها که از دید بسیاری راه‌حلی برای

83. "Ukraine Begins Artillery Withdrawal, Recognising Truce is Holding", *Reuters*, 26 February 2015, last seen 1st April 2022.

84. "Ukraine Parliament Offers Special Status for Rebel East, Russia Criticizes", *Reuters*, Kiev, 17 March 2015, last seen 1st April 2022.

85. "Ukraine Extends 'Special Status' for Conflict-Hit Regions", *Reuters*, 12 December 2019, last seen 1st April 2022.

86. "Poroshenko Says Local Elections in Ukraine Will be Held on 25 Oct, Date on Which They Will be Held in Donbas is Hard to Predict", *Kyiv Post. Interfax*, 11 June 2015, last seen 1st April 2022.

87. "Separatists Win Vote in Ukraine Rebel Regions by Big Margins", *The Washington Post*, 12 November 2018, last seen 1st April 2022.

فیصله بحران در منطقه دونباس محسوب می‌شدند، سرانجام خود به بخشی از مشکل مبدل شدند^{۸۸} و بر وخامت اوضاع افزود. گذشته از این، ناتوانی اوکراین در اجرای مفاد آن‌ها، به فرض صحت هم نمی‌تواند موجب تحقق جدایی چاره‌ساز شود؛ چون همان‌گونه که در بخش‌های پیشین یادآوری شد، رسیدن مذاکرات به بن‌بست و منتفی شدن همه تلاش‌ها، آن هم پس از احراز تحقق دیگر شرایط و بایسته‌های ضروری برای اعمال جدایی چاره‌ساز، شرطی ضروری به‌شمار می‌رود.

با توجه به وصفی که از شرایط جاری و وضعیت مناطق محل مناقشه رفت و همچنین مطالبی که در خصوص بایسته‌های تحقق نظریه جدایی چاره‌ساز و مبانی حقوقی روسیه در دست‌یازی به آن آمد، به نظر می‌رسد ادعای روسیه مبنی بر اقدام دولت اوکراین به ارتکاب جنایت ژنوسید علیه روس‌تباران منطقه دونباس، فاقد پشتوانه بوده و با شواهد و قرائن سازگار نیست. این نظر زمانی تقویت می‌شود که بدانیم دیوان بین‌المللی دادگستری، در دستور موقت خود در رابطه با دعوی اوکراین علیه روسیه در خصوص اتهام ارتکاب ژنوسید که در ۱۶ مارس ۲۰۲۲ صادر کرد، رسماً اعلام نمود که مدرک و مستندی دال بر وقوع ژنوسید در سرزمین اوکراین در اختیار ندارد.^{۸۹} آنچه صورت گرفته، در حد قتل مخالفان سیاسی است که بی‌گمان نمی‌توان آن را در چارچوب بایسته‌های تحقق جدایی چاره‌ساز برای مناطق دونتسک و لوهانسک بررسی کرد. اینکه حق تعیین سرنوشت داخلی روس‌تباران منطقه دونباس یکسره مورد انکار و تخطی قرار گرفته و هیچ چاره و راهکاری جز اعمال حق تعیین سرنوشت خارجی باقی نمانده، به‌راستی محل تردید جدی است. همچنین امکان یافتن راه‌حلی مرضی‌الطرفین برای اعطای خودمختاری وسیع به مناطق دونتسک و لوهانسک و جلوگیری از جدایی این مناطق، کماکان وجود دارد و نمی‌توان گفت که یافتن راه‌حلی مشترک به بن‌بست انجامیده است زیرا چنان‌که در بخش‌های پیشین نیز اشاره رفت، یکی از شرایط اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز، به بن‌بست رسیدن مذاکرات است. بر این پایه، به باور نگارندگان، استان‌های دونتسک و لوهانسک، واجد شرایط و بایسته‌های جدایی چاره‌ساز و در نتیجه شایسته برخورداری از آن نیستند.

88. Umland, Andreas, von Essen, Hugo, *Russia's Dictated Non-Peace for Ukraine in 2014-2022: Why the Minsk Agreements Were Doomed from the Start and What Lessons They Teach*, Stockholm Centre for Eastern European Studies, Report No. 3 2022, 10 May 2022, available at: <<https://www.ui.se/globalassets/ui.se-eng/publications/sceeus/russias-dictated-non-peace-for-ukraine-20142022.pdf>>, last seen 13th October 2022.

89. *Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, op.cit., para. 59.

نتیجه

دولت روسیه در لایحه کتبی خود در نظریه مشورتی اعلامیه استقلال کوزوو، تقدیمی به دیوان بین‌المللی دادگستری، شرایطی را که تحقق آن‌ها می‌تواند به اجرایی‌شدن جدایی چاره‌ساز برای گروهی تحت ستم بینجامد، چنین برمی‌شمارد: الف) حمله مسلحانه آشکار از سوی دولت مرکزی؛ ب) تهدید موجودیت مردم مورد بحث؛ ج) به‌بن‌بست‌رسیدن همه تلاش‌ها برای حل و فصل تنش بین گروه قومی و دولت مرکزی در چارچوب ساختارهای دولت موجود؛ شرط‌هایی که آستانه‌ای بالا برای تحقق جدایی چاره‌ساز در نظر می‌گیرد. به نظر می‌رسد بر پایه همین شرط‌ها است که روسیه به شناسایی دونتسک و لوهانسک و یورش به اوکراین جهت تقویت این شناسایی مبادرت جسته است. از این‌رو می‌توان مبانی حقوقی روسیه در قضیه شناسایی دونتسک و لوهانسک را، در تناظر با شرط‌های سه‌گانه بالا، در سه محور دسته‌بندی کرد: ۱) دفاع از خود دسته‌جمعی در برابر حمله مسلحانه اوکراین به دونتسک و لوهانسک پیرو موافقت‌نامه دوستی، همکاری و کمک متقابل ۱۰ ساله میان روسیه و رهبران این دو منطقه؛ ۲) تلاش حکومت مرکزی اوکراین برای ارتکاب نسل‌زدایی علیه مردم دونتسک و لوهانسک و لزوم پیشگیری از ارتکاب نسل‌زدایی از سوی دولت اوکراین علیه جمعیت روس‌زبان ساکن در این مناطق؛ ۳) ناکامی اوکراین در اجرای موافقت‌نامه‌های مینسک ۱ و ۲ به مثابه شاخصی دال بر به‌بن‌بست‌رسیدن همه تلاش‌ها و آخرین چاره‌بودن جدایی.

افزون بر فقدان معیارهای لازم برای دولت‌بودگی جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک و به‌ویژه تردید جدی در خصوص تحقق سنجه‌های دولت مؤثر، سرزمین تعریف‌شده و استقلال و نیز اقبال بسیار ناچیز جامعه بین‌المللی در شناسایی استقلال این دو موجودیت، پیوند انکارناشدنی اعلام استقلال آن‌ها با مداخله مسلحانه و در نتیجه، عدم مشروعیت وضعیت حاصل از آن و روی‌هم‌رفته، عدم مشروعیت شناسایی استقلال این دو منطقه به دست روسیه و نقض تعهدات بین‌المللی بسیار مهمی مانند احترام به تمامیت ارضی و عدم مداخله، به نظر می‌رسد شرط‌ها و بایسته‌های لازم برای اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز نیز با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر این مناطق محقق نشده است زیرا با توجه به عدم کنترل مؤثر حکومت مرکزی اوکراین بر مناطق دونتسک و لوهانسک از ۲۰۱۴ به این سو و نبود شواهد و مدارک کافی، ارتکاب ادعایی ژنوسید علیه روس‌تباران ساکن در این مناطق از سوی دولت اوکراین قابل اثبات نمی‌نماید.

از سوی دیگر، نمی‌توان ناتوانی دولت اوکراین در اجرای مفاد موافقت‌نامه‌های مینسک را به بن‌بست‌رسیدن همه تلاش‌ها تعبیر کرد، چون به نظر نمی‌رسد بتوان توسل به جدایی را یگانه و آخرین چاره کار در داستان دونتسک و لوهانسک دانست و امکان اعطای خودمختاری وسیع به

این مناطق با حفظ تمامیت ارضی اوکراین وجود دارد. علی‌رغم وجود منافع مشروع امنیتی که روسیه در خصوص همسایگی ناتو با مرزهای خود و همچنین سرنوشت روس‌تبارها در نظام سیاسی اوکراین دارد، به باور نگارندگان، جدایی یک‌جانبه جمهوری‌های خودخوانده نامبرده و شناسایی آن‌ها به‌عنوان دولت‌هایی مستقل، منطبق با موازین حقوق بین‌الملل نیست. رویه و عملکرد دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران در عدم شناسایی موارد جدایی یک‌جانبه از جمله در قزاقیای آبخازیا و اوستیای جنوبی، حاکی از این واقعیت است. سوءاستفاده از مسئله اقلیت‌ها برای پیشبرد اهداف و پیگیری امیال نامشروع سیاسی، همچون آنچه پس از جنگ جهانی اول رخ داد و سرانجام به حذف حقوق اقلیت‌ها در چارچوب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر منجر شد، می‌تواند سنگ‌لاخ حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها را دشوارتر از پیش کند و دولت‌ها بیش از پیش در این زمینه به سنگ‌اندازی دست بزنند.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. امید، علی؛ حقوق بین‌الملل: از نظر تا عمل، چاپ دوم، میزان، ۱۳۹۴.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی‌وسوم، گنج دانش، ۱۳۸۷.
۳. عزیزی، ستار؛ حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم (اول ناشر)، شهر دانش، ۱۳۹۴.
۴. عزیزی، ستار؛ حق تعیین سرنوشت در آئینه حقوق بین‌الملل (دفتر اول: حق تعیین سرنوشت خارجی)، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، ۱۴۰۰.
۵. عظیمی، محمدرضا؛ اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل؛ تاریخچه، پیمان‌ها، حدود و حمایت‌ها، پردیس دانش، ۱۳۹۲.
۶. کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بین‌الملل، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۹۶.
۷. کیملیکا، ویل؛ شهروندی چندفرهنگی؛ نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها، ترجمه: ابراهیم اسکافی، چاپ دوم، شیرازه، ۱۳۹۸.
۸. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه د/خلی، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۹۳.

- مقاله

۱. اردلان، اسعد؛ «حمایت از حقوق اقلیت‌ها در اسناد و رژیم‌های بین‌المللی»، در: اسعد اردلان، حقوق ملت‌ها، سندج، انتشارات علمی کالج، ۱۳۹۴.
۲. حبیبی، همایون و علی نواری؛ «ارزیابی وجود حق بر جدایی چاره‌ساز یا جبرانی به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۳. ضیایی، سیدیا سر؛ «شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹.
۴. ضیایی، سیدیا سر؛ «تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۵. عزیزی، ستار؛ «استقلال کوزوو: بررسی مشروعیت جدایی یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

۶. _____؛ «رویکرد متعارض دولت‌ها به حق تعیین سرنوشت خارجی؛ بررسی نظریات کتبی دولت‌ها در قضیه رأی مشورتی کوزوو»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۶، نیمسال دوم ۱۳۸۸.
۷. _____؛ «موضع و دلایل حقوقی روسیه در شناسایی جمهوری‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی و عدم شناسایی کوزوو»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۸. _____؛ «بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه کریمه از اوکراین: تحلیل رویه و عملکرد دولت‌ها»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
۹. کرم‌زاده، امین، مسعود علیزاده و شهرام زرنشان؛ «استقلال طلبی منطقه کاتالونیا از منظر حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱.
۱۰. ویسی چمه، محمد و ستار عزیزی؛ «مشروعیت و آستانه جدایی چاره‌ساز در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۶۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

ب. انگلیسی

- Books

1. Balint, Peter, Tamara Lenard, Patti, *Debating Multiculturalism: Should There be Minority Rights?*, New York, Oxford University Press, 2022.
2. Crawford, James, *The Creation of States in International Law*, 2nd Edition, Oxford, Oxford University Press, 2006.
3. Griffioen, Christine, *Self-Determination as a Human Right: The Emergency Exist of Remedial Secession*, Utrecht, Science Shop of Law, Economics and Governance, Utrecht University, August 2010.
4. Trinidad, Jamie, *Self-Determination in Disputed Colonial Territories*, Cambridge, Cambridge University Press, 2018.

- Articles

1. Green, James A., Henderson, Christian, Ruys, Tom, "Russia's Attack on Ukraine and the Jus ad Bellum", *Journal on the Use of Force and International Law*, vol. 9, No. 1, 2022, pp. 4-30.
2. Glen, Anderson, "Unilateral Non-Colonial Secession in International Law and Declaratory General Assembly Resolutions: Textual Content and Legal Effects", *Denver Journal of International Law and Policy*, vol. 41, Issue 3, January 2013.
3. Cavandoli, Sofia, "The Unresolved Dilemma of Self-Determination: Crimea, Donetsk and Luhansk", *The International Journal of Human*

Rights, vol. 20, Issue 7, 2016.

4. Dananjaya, I Komang, Satyayudha Dhananhaya, Nyoman, "The Legality of Russia's Special Military Operation against Ukraine from International Law Perspective", *Journal Kertha Patrika*, vol. 44, No. 1, April 2022, pp. 44-61.
5. Fischer, Sabine, "The Donbas Conflict: Opposing Interests and Narratives, Difficult Peace Process", Stiftung Wissenschaft und Politik (German Institute for International and Security Affairs) Research Paper, April 2019, available at: <https://www.swp-berlin.org/publications/products/research_papers/2019RP05_fhs.pdf>, last seen 13th October 2022.
6. Geiß, Robin, "Russia's Annexation of Crimea: The Mills of International Grind Slowly but They Do Grind", *International Law Studies*, vol. 91, 2015.
7. Giuliano, Elise, "Who Supported Separatism in Donbas? Ethnicity and Popular Opinion at the Start of the Ukraine Crisis", *Post-Soviet Affairs*, vol. 34, Nos. 2-3, 2018.
8. Golanski, Robert, "One Year after Minsk II: Consequences and Progress", *European View*, vol. 15, Issue 1, 2016.
9. Havlik, Peter *et al.*, "Economic Challenges and Costs of Reintegrating the Donbas Region in Ukraine", The Vienna Institute for International Economic Studies (Wiener Institut für Internationale Wirtschaftsvergleiche=wiiw) Research Report 447, June 2020. Available at: <<https://wiiw.ac.at/economic-challenges-and-costs-of-reintegrating-the-donbas-region-in-ukraine-dlp-5351.pdf>>, last seen 13th October 2022.
10. Jones, Natalie, "Self-Determination and the Right of Peoples to Participate in International Law-Making", *British Yearbook of International Law (in press)*, published online: 20 November 2021. Available at: <<https://academic.oup.com/bybil/advance-article/doi/10.1093/bybil/brab004/6432499?login=true>>, last seen 13th October 2022.
11. Malksoo, Lauri, "The Annexation of Crimea and Balance of Power in International Law". *European Journal of International Law*, vol. 3, No. 1, 2019.
12. Nikouei, Majid, Zamani, Masoud, "The Secession of Crimea: Where Does International Law Stand?", *Nordic Journal of International Law*, vol. 85, No. 1, 2016, pp. 37-64.
13. Protsyk, Oleh, "Majority-Minority Relations in Ukraine", *Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe*, vol. 7, No. 1, 2008.
14. Saul, Matthew, "The Normative Status of Self-Determination in International Law: A Formula for Uncertainty in the Scope and Content of the Right?", *Human Rights Law Review*, vol. 11, Issue 4, 2011.

15. Samkharadze, Nikoloz, "Recognition of States in International Law and Practice", *Journal of Young Researchers*, No. 3, July 2016.
16. Van den Driest, Simone F., "Crimea's Separation from Ukraine: An Analysis of the Right to Self-Determination and (Remedial) Secession in International Law", *Netherlands International Law Review*, No. 62, 2015.
17. Visoka, Gezim, "Statehood and Recognition in World Politics: Towards a Critical Research Agenda", *Cooperation and Conflict*, 21 September 2021 (Online First).
18. Weller, Marc, "Russia's Recognition of the 'Separatist Republics' in Ukraine was Manifestly Unlawful", *ejiltalk*, 9 March 2022, available at: <ejiltalk.org/russias-recognition-of-the-separatist-republics-in-ukraine-was-manifestly-unlawful/>, last seen 13th October 2022.
19. Solomon, Stefan, "Self-Determination in the Case Law of the African Commission: Lessons for Europe", *Verfassung und Recht in Übersee / Law and Politics in Africa, Asia and Latin America*, vol. 50, No. 3, 2017 (Special Issue: Self-Determination and Indigenoussness).

- Documents

1. Human Rights Committee, Concluding Observations on the Eighth Periodic Report of Ukraine, 9 February 2022, CCPR/C/UKR/CO/8.
2. ICJ, *Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010, p. 403, 22 July 2010.
3. ICJ, *Allegations of Genocide under the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Ukraine v. Russian Federation)*, Order, 16 March 2022.
4. Umland, Andreas, von Essen, Hugo, *Russia's Dictated Non-Peace for Ukraine in 2014-2022: Why the Minsk Agreements Were Doomed from the Start and What Lessons They Teach*, Stockholm Centre for Eastern European Studies, Report No. 3 2022, 10 May 2022, available at: <<https://www.ui.se/globalassets/ui.se-eng/publications/sceeus/russias-dictated-non-peace-for-ukraine-20142022.pdf>>, last seen 13th October 2022.
5. Written Statement of Russia, International Court of Justice, *Accordance with International Law of Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo*, Advisory Opinion, 2010

- News Agencies and Internet Sites

1. Alexander Düben, Björn, "“There is no Ukraine”: Fact-Checking the Kremlin's Version of Ukrainian History", available at: <<https://blogs.lse.ac.uk/lseih/2020/07/01/there-is-no-ukraine-fact-checking-the-kremlins-version-of-ukrainian-history/>>, Last seen 15th May 2022.

2. "Fears for Ukraine's Ceasefire as Clashes with Russia-Backed Rebels Intensify", *The Guardian*, 15 February 2015, last seen 1st April 2022.
3. Hinton, Alexander, "Putin's Claims that Ukraine is Committing Genocide are Baseless, but not Unprecedented", *The Conversation*, 25 February 2022, available at: <<https://theconversation.com/putins-claims-that-ukraine-is-committing-genocide-are-baseless-but-not-unprecedented-177511>>, last seen 17th May 2022.
4. International Crisis Group, "Conflict in Ukraine's Donbas: A Visual Explainer", available at: <<https://www.crisisgroup.org/content/conflict-ukraines-donbas-visual-explainer>>, Last seen 16th May 2022.
5. "Minsk Agreement on Ukraine Crisis: Text in Full", *The Daily Telegraph*, 12 February 2015, Archived from the original on 27 March 2022, last seen 25th March 2022.
6. "Poroshenko Says Local Elections in Ukraine Will be Held on 25 Oct, Date on Which They Will be Held in Donbas is Hard to Predict", *Kyiv Post. Interfax*, 11 June 2015, last seen 1st April 2022.
7. "Separatists Win Vote in Ukraine Rebel Regions by Big Margins", *The Washington Post*, 12 November 2018, last seen 1st April 2022.
8. "Ukraine Begins Artillery Withdrawal, Recognising Truce is Holding", *Reuters*, 26 February 2015, last seen 1st April 2022.
9. "Ukraine Crisis: Army and Rebels Stall Heavy Arms Pullout", *BBC News*, 17 February 2015, last seen 1st April 2022.
10. "Ukraine Extends 'Special Status' for Conflict-Hit Regions", *Reuters*, 12 December 2019, last seen 1st April 2022.
11. "Ukraine Parliament Offers Special Status for Rebel East, Russia Criticizes", *Reuters, Kiev*, 17 March 2015, last seen 1st April 2022.
12. "Ukrainian Soldiers Share Horrors of Debaltseve Battle after Stinging Defeat", *The Guardian*, 18 February 2015, last seen 1st April 2022.
13. UNHCR, "Registration of Internal Displacement", available at: <<https://www.unhcr.org/ua/en/resources/idp-dashboard>>, Last seen 15th May 2022.
14. <<https://www.spectator.co.uk/article/full-text-putin-s-declaration-of-war-on-ukraine>>, last seen 1st April 2022.
15. <<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/141/15628.pdf>>, last seen 1st April 2022.
16. <<https://www.icj-cij.org/en/case/141/written-proceedings>>, last seen 1st April 2022.
17. <<https://www.nytimes.com/2022/02/24/world/europe/putin-ukraine-speech.html>>, last seen 1st April 2022.
18. <<https://www.theguardian.com/world/2014/aug/28/ukraine-russia-emergency-un-nato-eu-meetings-invasion-claim>>, last seen 1st April 2022.